



بررسی وضعیت سرمایہ گذاری مستقیم خارجی در ایران

موانع، محدودیت ها و راهکارها

کمیون سرمایہ گذاری

دیرخانہ کمیون ہای تخصصی

عنوان گزارش: بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران موانع، محدودیت‌ها و راهکارها

کمیسیون: سرمایه‌گذاری

تهیه کننده: سید عباس علوی^۱، سید مسلم هاشمی^۲

ناظر:

انتشار: دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۱۳۹۵۳۹

شهریور ۹۵

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۵	۱-۲ علل وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دید سرمایه‌گذار
۹	۲-۲ آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان
۱۰	۳-۲ جایگاه ایران در جذب FDI
۱۲	۴-۲ عوامل مؤثر بر جریان FDI
۱۵	۵-۲ عوامل غیراقتصادی
۱۸	۶-۲ عوامل اقتصادی
۲۱	۷-۲ آزادی اقتصادی
۲۳	۸-۲ شاخص توانمندی تجارت
۲۶	۹-۲ شاخص سهولت کسب و کار
۲۸	۱۰-۲ جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در ایران
۲۹	۳ نتیجه‌گیری
۳۲	منابع

چکیده

سرمایه موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. از این رو، جذب سرمایه کافی به منظور تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است. کشورهای در حال توسعه معمولاً با کمبود سرمایه مواجه بوده‌اند. لذا، همواره سعی نموده‌اند که برای جبران آن از استقراض خارجی استفاده کنند، اما به دلیل بحران‌های ناشی از بازپرداخت آن، امروزه سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان جانشینی برای آن و ابزاری برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی مطرح شده است. معمولاً به هر سرمایه‌گذاری در کشورهای بیگانه از سوی شرکت‌های خصوصی و افراد حقیقی (غیر از کمک‌های دولتی)، سرمایه‌گذاری خارجی می‌گویند. با توجه به امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه در سال‌های اخیر - که اغلب کشورها اقدامات اساسی در راستای جلب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌دهند - مطلوب بودن یک یا چند متغیر از انگیزه‌های اقتصادی مالی و فنی یا عوامل حمایتی، سیاسی و جغرافیایی برای اقدام شرکت‌های مذکور برای سرمایه‌گذاری در یک طرح خاص در یک کشور کافی نخواهد بود؛ بلکه ارزیابی تمام عوامل و به‌صورت یک مجموعه منجر به اتخاذ تصمیم انجام سرمایه‌گذاری یا عدم انجام سرمایه‌گذاری می‌گردد. در همین راستا در این پژوهش ابتدا به بررسی روند و وضعیت فعلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداختیم و طبق آمار آنگتاد مشخص شد که ایران در این زمینه وضعیت مناسبی ندارد. کشور ایران طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده به سرمایه‌گذاری خارجی بیش از ۴۰ میلیارد دلار به‌صورت سالانه نیاز دارد در حالی که بیشترین میزان جذب سرمایه عدد ۴.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ بوده است که چیزی کمتر از ۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایران است. این عدد در سال‌های پس از ۲۰۱۲ روند نزولی داشته است و هرچند پس از اجرای توافق ایران و گروه ۵+۱ نشانه‌هایی از بهبود این شاخص دریافت می‌شود اما بازم با میزان مطلوب این شاخص به دلایل متعددی فاصله داریم. در ادامه به بررسی برخی از متغیرهای اقتصادی پرداختیم و بیان شد که گرچه وضعیت ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و جمعیتی می‌تواند به‌عنوان یک بازار مطلوب قلمداد شود اما با احتساب این موارد باز میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار کم است. در ادامه یکی از دلایل میزان کم سرمایه‌گذاری خارجی را عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برشمردیم و اشاره شد که دلایل متعدد دیگری باعث پایین بودن میزان FDI در ایران است. سپس برخی از مهم‌ترین عوامل و به‌نوعی موانع تأثیرگذار در جذب FDI را بر طبق گزارش‌های معتبر بین‌المللی که مورد رجوع سرمایه‌گذاران در سطح جهان است بررسی کردیم. طبق گزارش آزادی اقتصادی وضعیت ایران در مقایسه با سایر کشورها بسیار نامطلوب بود. در شاخص توانمندی تجارت ایران از بین ۱۳۸ کشور مورد بررسی رتبه ۱۳۱ را کسب کرده بود و در آخرین گزارش بانک جهانی در مورد شاخص سهولت کسب‌وکار ایران در بین ۱۸۹ کشور مورد بررسی در رده ۱۱۸ قرار داشت که باز با وضعیت مطلوب فاصله بسیار زیادی وجود دارد. هرکدام از این گزارش‌ها زیر شاخص‌هایی را برای رتبه‌بندی کشورها مدنظر قرار داده‌اند که با بررسی این زیر شاخص‌ها می‌توان به دلایل و موانع اساسی جذب FDI و حتی سایر ضعف‌های تجاری و اقتصادی کشور پی برد و از دل همین موانع می‌توان به راهکارهایی دست‌یافت. در انتهای گزارش و در قسمت نتیجه‌گیری راهکارها و توصیه‌هایی که از بررسی‌های صورت گرفته حاصل شده است ارائه شده که در صورت عملی شدن می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمک کند.

۱ مقدمه

امروزه ابعاد چهارگانه قدرت (قدرت اقتصادی، نظامی- امنیتی، سیاسی- دیپلماتیک و فرهنگی) تا اندازه‌ای درهم‌تنیده شده‌اند که دستیابی به یک بعد، بدون تقویت بدهای دیگر به‌ویژه اقتصاد امکان‌پذیر نیست. افزایش قدرت اقتصادی هم به‌نوبه خود به ابزارها و عوامل متعددی وابسته است. کشورها برای رشد اقتصادی به انباشت سرمایه و تکنولوژی نیازمند هستند [۱۵].

سرمایه موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. از این رو، جذب سرمایه کافی به‌منظور تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است. با گسترش مباحث مرتبط با جهانی‌شدن و ارتباط متقابل کشورها و عدم تکاپوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، کشورها ناگزیر به جذب سرمایه‌های خارجی و رقابت در جذب آن هستند. کشورهای درحال توسعه معمولاً با کمبود سرمایه مواجه بوده‌اند. لذا، همواره سعی نموده‌اند که برای جبران آن از استقراض خارجی استفاده کنند، اما به دلیل بحران‌های ناشی از بازپرداخت آن، امروزه سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان جانشینی برای آن و ابزاری برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی مطرح شده است [۱۹].

از آنجاکه منبع انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری است؛ بنابراین، برای انجام سرمایه‌گذاری باید یا پس‌انداز لازم در سیستم مالی وجود داشته باشد و یا دولت بتواند با استفاده از هزینه‌های عمرانی سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهد. یکی از منابعی که می‌تواند کمبود انباشت سرمایه را جبران کند، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. معمولاً به هر سرمایه‌گذاری در کشورهای بیگانه از سوی شرکت‌های خصوصی و افراد حقیقی (غیر از کمک‌های دولتی)، سرمایه‌گذاری خارجی می‌گویند [۹].

سرمایه‌گذاری خارجی به دو قسمت غیرمستقیم و مستقیم تقسیم می‌شود؛ سرمایه‌گذاری اشخاص خارجی در سهام و اوراق قرضه از این نظر «غیرمستقیم» اطلاق می‌شود که سرمایه‌گذار صرفاً صاحب اوراق بوده و نقش مستقیم در اداره شرکتی که سهامش را خریداری کرده، ایفا نمی‌کند. طبیعتاً در چنین شرایطی مسئولیت مالی شرکت نیز متوجه این شخص نیست. اما در سوی دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم مطرح است که در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار هدفی دائمی یا بلندمدت را دنبال می‌کند. در چنین شرایطی سرمایه‌گذار صاحب حق رأی در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های شرکت مورد سرمایه‌گذاری خواهد بود. از بین دو گونه سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل مزیت‌هایی مانند انتقال تکنولوژی، ارتباط با بازارهای بین‌المللی، انتقال مهارت‌های مدیریتی و غیره منبعی مناسب‌تر برای انباشت سرمایه و به دنبال آن رشد اقتصادی است. [25]

طبق تعریف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ (FDI) شامل رابطه‌ای بلندمدت است که منعکس‌کننده منفعت و نظارتی پایدار از دارایی خصوصی در اقتصاد یک کشور در شرکتی مستقر در اقتصاد کشوری دیگر است. شخص سرمایه‌گذار می‌تواند از طریق این سرمایه‌گذاری تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر مدیریت شرکت خارجی داشته باشد. این نوع سرمایه‌گذاری شامل دادوستد اولیه میان طرفین معامله و تمام دادوستدهای متعاقب آن بین افراد و سازمان‌های وابسته است (خواه این شرکت‌ها ثبت‌شده یا ثبت‌نشده باشند). به عبارتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور ضمنی دلالت دارد بر اینکه سرمایه‌گذار یک درجه مشخص نفوذ در مدیریت شرکت ساکن در اقتصاد دیگر اعمال می‌کند [28]

مهم‌ترین وجوه تمایز FDI با دیگر وجوه سرمایه را می‌توان به میزان و درجه کنترل سرمایه‌گذاری و میزان مشارکت، سود و زیان‌هایی که متوجه سرمایه‌گذار است و همچنین رابطه و منافع بلندمدت میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر دانست. علاوه بر وجوه فوق، مهم‌ترین آثار سرمایه‌گذاری خارجی در قیاس با سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر آن بر انتقال فناوری‌های روزآمد و دانش فنی پیشرفته بر کشور میزبان هست که این امر به تدریج به بالا بردن قابلیت‌های تکنولوژیکی در کشور میزبان کمک می‌کند. از آنجاکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به سرمایه و اشتغال، صادرات و تولید می‌گردد امکان دسترسی به منابعی همچون مدیریت، نیروی کار ماهر، شبکه‌های تولید بین‌المللی و تأسیس نام‌های تجاری را فراهم می‌نماید و همچنین موجبات برخورداری از آثار سرریز و انتقال تکنولوژی را برای کشور میزبان فراهم می‌سازد. لذا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موتور رشد اقتصادی کشور میزبان محسوب گردد [۱۳].

البته باید توجه داشت که استراتژی‌های ورود شرکت‌های خارجی در بازار ایران می‌تواند بر اساس سطح ریسک شرکت‌های مزبور از کم ریسک‌ترین حالت یعنی صادرات محصول (غیرمستقیم و مستقیم) آغاز شود و در حالت سرمایه‌گذاری مستقیم با بیشترین سهم ریسک نیز انجام گیرد. به علت توجه خاص کشورمان به سطح تراز تجاری و تلاش برای مثبت بودن این تراز، دولت می‌کوشد میزان واردات را تا حد امکان

³ Foreign Direct Investment

کاهش دهد به همین علت دولت خواهان ورود شرکت‌های خارجی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم است. بنابراین باید مزایایی را برای افراد و شرکت‌های خارجی در سرمایه‌گذاری مستقیم لحاظ کرد تا آنان ریسک این عمل را با توجه به مقایسه مزایا متحمل شوند. علت گرایش سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور مبدأ خود موضوع بسیاری از نظریات اقتصادی است از جمله "دانیگ" چهار انگیزه استراتژیک برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شناسایی نموده است؛ این انگیزه‌ها عبارت‌اند از [۱۰]:

سرمایه‌گذاری به منظور دسترسی به منابع اولیه: این نوع سرمایه‌گذاری زمانی به منظور دسترسی به مواد اولیه خواهد بود که هدف از آن دسترسی به منابعی است که در کشور اصلی وجود نداشته یا هزینه دسترسی به آن بالاست. به عنوان مثال می‌توان از شرکت‌هایی که به دنبال تأمین منابع کم‌هزینه و تضمین‌شده مواد خام، منابع نفت و گاز، محصولات کشاورزی و مواد معدنی هستند و یا شرکت‌های فعال در صنعت خدمات آموزشی و بهداشتی و توریسم نام برد.

سرمایه‌گذاری به منظور دسترسی به بازار: هدف این نوع FDI، ارائه خدمات و کالا در بازار محلی و یا بازار کشورهای همسایه است. این مورد می‌تواند به دلایلی از جمله نیاز به تطبیق محصول با سلیقه محلی یا هزینه‌های بالای حمل‌ونقل و تعرفه تبیین شده توسط دولت و سایر موانع ایجادشده توسط دولت باشد.

سرمایه‌گذاری به منظور افزایش کارایی: محرک این نوع سرمایه‌گذاری، عقلایی کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور دسترسی به بازار و منابع است. در این نوع سرمایه‌گذاری، تولید در مکان‌های محدود متمرکز شده و از اقتصاد به مقیاس و ارائه محصولات به بازارهای مختلف سود می‌برد.

سرمایه‌گذاری به منظور استفاده از دارایی‌های استراتژیک: این نوع FDI، درصد حفظ یا بهبود رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت سرمایه‌گذاری است. این هدف از طریق بهره‌برداری از مزایای هزینه‌ای یا بازاریابی خاص حاصل می‌شود اما اغلب درصد کسب دارایی‌های شرکت‌های خارجی باهدف تقویت موقعیت رقابتی است

با توجه به مبانی نظری موجود می‌توان عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سه گروه کلی زیر خلاصه کرد [۱۶]:

عوامل اقتصادی: عواملی در این گروه قرار دارند که به نوعی به محیط کلان اقتصادی مرتبط می‌شوند: شاخص‌هایی چون ساختار تعرفه‌ها و مالیات‌ها، ساختار رژیم تجاری، نیروی کار و سطح دستمزد، زیرساخت‌های اقتصادی، ساختار سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ملی، وضعیت، یارانه‌ها، معافیت‌ها و حمایت‌ها، ساختار بازار پولی و ارزی کشور، ساختار تأمین مالی، اندازه دولت

عوامل سیاسی و حقوقی: عواملی که ذاتاً ماهیتی اقتصادی نداشته، اما می‌توانند اثرات قابل توجهی بر بحث سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند که از جمله می‌توان به ساختار حقوقی مالکیت، بحث مالکیت معنوی، ریسک سیاسی کشور، وضعیت بوروکراسی و قدرت دولت و ... اشاره نمود.

عوامل مکانی و جغرافیایی: در این گروه معمولاً شاخص‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به نوعی بیانگر تفاوت‌های کشورها از نظر جغرافیایی (فضایی) هستند. در این مورد می‌توان به موقعیت ترانزیتی کشور، ساختار منابع معدنی و زیرزمینی کشورها، بحث دسترسی به بازارهای بین‌المللی، بحث ادغام‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و دسترسی به آب‌های آزاد و ... اشاره نمود.

طی سال‌های گذشته کشورمان در رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی افول بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد. تحریم‌های بین‌المللی، سیاست‌های نادرست مالی و پولی، وجود فساد برخی از افراد در نهادهای اداری و مالی کشور و ... وضعیت اقتصادی کشور را تضعیف کرد و موجب کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان شده است.

امضای توافقنامه هسته‌ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ و به دنبال آن آغاز روند تدریجی لغو تحریم‌های بین‌المللی، همچنین تعامل معقول و حساب‌شده دستگاه دیپلماسی و مسئولان اقتصادی جدید کشورمان با کشورهای منطقه و فرمانطقه ای سبب شد نمایندگان شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه اروپایی‌ها طی ماه‌های گذشته بارها به کشورمان سفر کرده و تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی با کشورمان ابراز کنند. حاصل این مناسبات، می‌تواند عاملی جهت افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان در آینده باشد؛ اما نکته بسیار مهم این است که باید توجه داشته باشیم که رفع تحریم‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند سبب جذب سرمایه‌گذاری شود. بلکه حذف تحریم‌ها تنها یکی از موانع اساسی سرمایه‌گذاری خارجی را رفع کرده و در حال حاضر موقعیتی فراهم‌شده است تا با بهبود سایر شرایط کشور بتواند

سرمایه‌گذاران را جذب کند. لذا در این شرایط باید درکنار شناسایی سایر عوامل مؤثر بر جذب FDI، موانع عمده‌ای که در ایران موجب کمبود سطح سرمایه‌گذاری خارجی و در سال‌های اخیر سبب کاهش همین مقدار کم نیز شده است بررسی گردد.

البته باید این نکته را گوشزد کرد که هر نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به رشد و توسعه اقتصادی کشورمان نخواهد انجامید و عدم دقت در گشودن درهای بخش‌های مختلف اقتصاد به روی سرمایه‌گذاران خارجی در شرایط غیررقابتی و انحصاری به نفع اقتصاد کشورمان نیست. همین‌طور واضح است که در شرایط کنونی حضور سرمایه‌گذاران در کشورمان فرصتی مغتنم محسوب می‌شود البته و مثل همیشه باید با سرمایه‌گذاری خارجی هوشیارانه رفتار کرد. به جهت توجه ویژه به تراز تجاری کشور سرمایه‌گذاری باید صادرات‌گرا باشد و ورود سرمایه خارجی باید به ما تضمین ایجاد بازار صادراتی بدهد. اگر قرار است سرمایه‌گذاری مثبتی برای کشورمان اتفاق بیفتد شایسته است که به‌جای تمرکز در حوزه‌های بالادستی و همکاری‌های دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش خصوصی و صنایع کوچک صورت گیرد- قسمتی که ورود سرمایه می‌تواند بحران منابع و عقب‌ماندگی دانش و تکنولوژی آن را التیام بخشد. حتی اگر تمرکز بر هدایت سرمایه به این بخش‌ها زمان‌بر و دشوار باشد منافع بیشتر و ضرر کمتری برای اقتصادمان به دنبال خواهد داشت. لذا ابتدا باید حوزه‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناسایی شود و به وضعیت کنونی این شاخص در اقتصاد ایران اشراف داشته باشیم تا بتوانیم پس از شناسایی عوامل و موانع جذب این نوع سرمایه‌گذاری از طریق راهکارهای به‌دست‌آمده میزان FDI را به‌طور صحیح و در بخش‌های موردنیاز اقتصاد ارتقا بدهیم.

۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در حال حاضر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یکی از عناصر عمده پیوند اقتصاد کشورها و به‌ویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده است. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در جهت تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش بسزایی یافته است. این واقعیت موجب رقابت‌های اقتصادی برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید می‌شود [24]، [31].

تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه شده است. مثلاً صندوق بین‌المللی پول این‌گونه تعریف می‌کند: " سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک نوع سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری به‌جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار آن است که در مدیریت بنگاه نقش مؤثر داشته باشد. [۲۱]. به اعتقاد آنکتاد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستلزم ارتباط بلندمدت و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر است. بنابراین وجه تمایز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از انواع دیگر، لزوم نفوذ قابل‌توجه سرمایه‌گذار خارجی در مدیریت بنگاه است. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذار با مشارکت داشتن در فرآیند تصمیم‌گیری بنگاه به دنبال منفعی است که در واقع، امکان کسب آن‌ها در سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی وجود ندارد. فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالا بردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته ضعف مدیریت و سیاست‌های ناصحیح در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه دارد [۲۱].

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی و عمودی

در کشورهای در حال توسعه، اجاره سرمایه بالا و دستمزد پایین است. به همین منظور در گذشته کشورهای توسعه‌یافته، اغلب کالاهای سرمایه‌بر را به کشورهای در حال توسعه صادر می‌کردند؛ اما به‌مرور زمان بنگاه‌های مستقر در کشورهای سرمایه‌دار برای کسب سود بیشتر و کاهش هزینه‌های تولید خود، قسمتی از کارخانه را که نیاز به نیروی کار غیرماهر داشت به کشورهای توسعه‌یافته دارای نیروی کار غیرماهرانه فراوان انتقال دادند. این نوع انتقال به، « سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی » شهرت دارد، که عمده دلایل آن کاهش هزینه تولید است. اما در برخی از موارد بنگاه‌های مستقر در یک کشور توسعه‌یافته، برای جایگزینی تجارت با کشور توسعه‌یافته دیگر کارخانه تولیدی دیگری را با همان مشخصات در کشور توسعه‌یافته میزبان بنا می‌کند که در این حالت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت افقی انجام می‌شود؛ این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جایگزین تجارت است [۲۰].

۲-۱ علل وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دید سرمایه‌گذار

در اقتصاد نظریات مختلفی به بررسی علل گرایش شرکت‌ها و اشخاص به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور مبدأ خود می‌پردازند. در اینجا مهم‌ترین این نظریات را به‌اختصار مرور خواهیم کرد:

نظریه نرخ بازدهی متفاوت

اصلی‌ترین عاملی که در انتقال سرمایه باید توجه شود بازدهی انتظاری است. بر اساس این نظریه همان‌گونه که در داخل یک کشور، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سودآورتر صورت می‌گیرد، اگر در کشور میزبان بازده انتظاری بالاتر از کشور میهمان باشد، سرمایه از کشور میهمان خارج و به کشور میزبان روی خواهد آورد.

این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در جریان افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در اروپا رواج پیدا نمود ولی در دهه ۱۹۶۰ توأم نیافت علتش هم این بود که نرخ بازدهی اروپا در این دهه پایین‌تر از آمریکا شده بود از ضعف‌های عمده این نظریه این بود که قادر نبود در مورد کشورهایی که به‌طور هم‌زمان شاهد ورود و خروج سرمایه بودند اظهارنظر نماید همچنین توزیع نامتوازن سرمایه‌گذاری در میان صنایع مختلف با این نظریه تبیین نمی‌شد [۸]

نظریه مناطق پولی

بر طبق این نظریه، شرکت‌هایی که کشورشان از پول قوی‌تری برخوردار باشند تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری خارجی دارند در مقابل احتمال اینکه شرکت‌های خارجی در داخل کشوری با پول قوی سرمایه‌گذاری کنند کمتر خواهد بود علت این‌گونه رفتار به موضوع "ریسک ارزی" برمی‌گردد چراکه شرکت‌های کشوری که پول قوی دارند بهتر می‌توانند خود را از ریسک ارزی ناشی از نوسانات ارزی مصون دارند. بنابراین می‌توان چنین گفت که پایین بودن ارزش پول همراه با جریان سرمایه‌گذاری به داخل و بالا بودن ارزش پول همراه با جریان سرمایه‌گذاری مستقیم به خارج خواهد بود. وضعی که این نظریه دارد این است که این نظریه نمی‌تواند در مورد کشورهایی که ارزش پولی تقریباً یکسانی دارند اظهارنظر نماید [۱۲].

نظریه نقدینگی

بر طبق این نظریه رابطه مثبتی بین جریان‌های نقدی داخلی و مخارج سرمایه‌گذاری شرکت‌های تابعه شرکت‌های فراملیتی وجود دارد یعنی در صورت داشتن عملکرد بهتر بازارهای مالی یک کشور، امکان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش می‌یابد هرچند که ممکن است شرکت‌های کوچک و بزرگ رفتار متفاوتی داشته باشند [۱۲].

نظریه کوجیما [۲۷]

طی مطالعاتی که کیوشی کوجیما انجام داد، به توضیح الگوهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن در کشورهای درحال توسعه و پیامد این الگوهای سرمایه‌گذاری در بسط تجارت بین‌الملل و رفاه جهانی پرداخت. مطابق با نظریه کوجیما، FDI ابزاری است برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و مهارت‌های مدیریتی از کشور میهمان به کشور میزبان.

بر اساس فرضیات و عقیده او دو نوع FDI وجود دارد:

1- FDI با سمت‌گیری تجاری

2- FDI ضد سمت‌گیری تجاری

FDI با سمت‌گیری تجاری: در صورتی که FDI باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات شود دارای سمت‌گیری تجاری هست و در صناعی حادث می‌شود که کشور میهمان مزیت نسبی به آن صنایع را ندارد که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور میهمان و میزبان می‌شود بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش رفاه می‌گردد.

FDI ضد سمت‌گیری تجاری: در صورتی که FDI باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات نشود دارای سمت‌گیری تجاری ضد می‌باشد و در صناعی حادث می‌شود که کشور میهمان دارای مزیت نسبی به آن صنایع است که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور میهمان و میزبان نمی‌شود بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به کاهش رفاه می‌گردد.

کوجیما اظهار می‌دارد که سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن با سمت‌گیری تجاری است دلیلش هم این است که ژاپنی‌ها به دلیل نداشتن مزیت نسبی در منابع طبیعی، عمده سرمایه‌گذاری خود را بر این منابع متمرکز کرده‌اند که این خود باعث افزایش کالاهای صادراتی و وارداتی می‌گردد در مقابل آمریکا به دلیل برخورداری از مزیت‌های مختلف منابع در اقتصاد خود، در صناعی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند که واردات را جایگزین کند.

نظریه فرار مالیات [30]

از جمله عوامل مورد نظر سرمایه‌گذاران در نقل و انتقال سرمایه بین کشورها، مالیات هست و دلیلش هم این است که سرمایه‌گذاران بیشتر به درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری بعد از کسر مالیات توجه دارند تا درآمد مطلق، بطوریکه چنانچه مالیات بر درآمد در کشوری بالا باشد انتقال سرمایه به آن کشور و سرمایه‌گذاری در آن حتی در صورت بازدهی بالا، کاهش می‌یابد. بر اساس این نظریه سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل فرار از مالیات در کشور میهمان و مالیاتی در کشور میزبان انجام می‌شود. لذا یکی از عامل‌هایی تشویق سرمایه‌گذاری خارجی سیاست مالیاتی در کشور میزبان نظیر معافیت مالیاتی می‌باشد.

نظریه چرخه تولید [30]

این نظریه در حقیقت توجیه‌گر فعالیت بنگاه‌های فراملیتی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود. فرض اساسی این نظریه این است که کالاهای تولیدی یک بنگاه تابع یک چرخه حیاتی است بدین گونه که تولید بنگاه در ابتدا به‌عنوان یک نوع آوری تلقی می‌شود ولی پس از مدتی در معرض رقابت تولید قرار می‌گیرد که منجر به تولید کالای استاندارد در آن کشور می‌گردد با افزایش رقابت و بهره‌برداری، بنگاه‌ها در مقابل خطر از دست دادن بازار محصول خود، به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورده و در فراسوی مرزهای آن کشور بازار جدید برای خود ایجاد می‌کنند.

نظریه درونی کردن [30]

در این تئوری وجود سرمایه‌گذاری خارجی، ناشی از جایگزین نمودن نقل و انتقالات درونی توسط بنگاه‌های اقتصادی به‌جای نقل و انتقالات بازار، بین بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد. این موضوع به‌نوبه خود به‌عنوان یک راه‌گیز از نقایص بازارها در مورد نهاده‌های واسطه‌ای مطرح می‌شود. از طرفی دیگر یک شرکت می‌تواند دانش فنی و اختراعات خود را به دیگر واحدهای اقتصادی به فروش برساند اما به صلاح این کشور است که از این معامله به‌صورت بازاری استفاده نکرده بلکه خود در آن کشور سرمایه‌گذاری کند. در حقیقت این نظریه تأکید بر این موضوع دارد که در صورت وجود معاملاتی بازاری، از نقل و انتقالات درونی استفاده می‌شود که در صورت محقق شدن، هویت بنگاه از بازار جدا شده و کوشش برای رسیدن با کارایی بنگاه، انگیزه اصلی سرازیر شدن منابع سرمایه‌ای به بازارهای خارجی می‌شود.

نظریه سازمان صنعتی [۲]

هایمر در سال ۱۹۷۶ به این نتیجه رسید که علت وجود شرکت‌های چندملیتی به وجود بازارهای ناقص برمی‌گردد. وی دو نقیصه بازار را مورد توجه قرار داده است: نقایص ساختاری و نقایص هزینه معاملاتی. نقایص ساختاری به شرکت‌های چندملیتی در جهت افزایش قدرت بازاری کمک می‌کند لذا با ایجاد شرکت‌های چندملیتی و توزیع تولید در چند نقطه، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، مزایای دانش، شبکه‌های توزیع، تنوع‌بخشی به محصول و مزایای اعتباری پدید می‌آید. از طرف دیگر هزینه معاملاتی برای شرکت‌های چندملیتی، جایگزین نمودن بازار داخلی به‌جای بازار خارجی را سودآور می‌نماید.

این نظریه توسط گراهام و کروگمال (۱۹۸۹) برای تبیین رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکا به‌کاررفته است. بر اساس نظریات آنان، دلیل افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده این بوده است که به دلیل کاهش مزیت نسبی تکنولوژی و مدیریتی شرکت‌های آمریکایی نسبت به دهه‌های گذشته، شرکت‌های خارجی قدرت رقابت در بازار آمریکا را با شرکت‌های آمریکایی پیدا کرده‌اند لذا وارد این کشور شده‌اند. انتقاد وارده بر این تئوری این است که این نظریه مشخص نمی‌کند که چرا داشتن بعضی مزایا و قدرت رقابت به شکل FDI بروز پیدا می‌کند در حالی که شرکت‌ها می‌توانستند به طرق مختلف از جمله عرضه و فروش مهارت‌های فنی تولید به شرکت‌های داخلی و یا صادرات کالا عمل کنند.

نظریه عوامل تولید ارزان قیمت [۲]

در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل مکانیزه بودن فعالیت بنگاه‌ها و استفاده از صنایع سرمایه‌بر و قیمت بالای نیروی کار، هزینه تولید نهایی بالاست ولی در کشورهای در حال توسعه به دلیل ارزانی مواد اولیه، نیروی کار و کمبود سرمایه از صنایع کاربر استفاده می‌شود در نتیجه هزینه تولید نهایی در کشورهای در حال توسعه پایین‌تر از هزینه تولید نهایی در کشورهای توسعه‌یافته است.

یکی از مهم‌ترین دلایل وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نواقص بازار در امر خریدوفروش تکنولوژی است، اگر تکنولوژی توسط کشور میزبان خریداری شود، دیگر هیچ نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام نمی‌شود؛ اما به دلیل اینکه فروشنده تکنولوژی، حاضر به فروش تکنولوژی نیست و همچنین تکنولوژی نیز مانند دیگر کالاها اقتصادی نیست که بتوان آن را خریدوفروش کرد، معمولاً شرکت‌های مادر به چند دلیل حاضر به فروش تکنولوژی خود به صورت کامل نیستند: نخست اینکه آن‌ها نگران افشاء شدن نوآوری خود هستند؛ دوم اینکه چون مدیریت و تکنولوژی همواره مکمل یکدیگر هستند، بنابراین نمی‌توان تکنولوژی را به کشوری واگذار کرد که کارایی مدیریت در آنجا ضعیف است و بالاخره اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - که توسط شرکت مادر انجام می‌شود - مزیت‌های شرکت مادر را محفوظ می‌دارد، (مانند دسترسی به تکنولوژی به ثبت رسیده که در انحصار شرکت است؛ مهارت‌های مدیریتی که خاص گروه معینی از مدیران است و بالاخره مهارت‌های ویژه در بازاریابی و مالکیت علائم تجاری) [۲۲].

در اقتصاد کنونی، عمده جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حالت افقی دارد و از برخی کشورهای توسعه‌یافته به سایر کشورهای توسعه‌یافته نیز جریان می‌یابد و دلیل عمده آن تسخیر بازار و جایگزینی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به جای تجارت محصول است. اما به‌رحال بین‌المللی شدن یک شرکت اول از تجارت آغاز و سپس به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تبدیل می‌شود؛ البته به‌جز در موارد خاصی مانند صنایع منابع طبیعی مانند نفت که اول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد و سپس تجارت آغاز می‌شود. دلیل اینکه یک شرکت چندملیتی اول وارد تجارت شده و سپس به صورت گام‌به‌گام به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نزدیک می‌شود عبارت است از:

۱. تجارت سهل‌تر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و در همان حال رابطه‌ای کوتاه‌مدت با کشور میزبان دارد که هر لحظه می‌توان آن را قطع کرد؛ اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل اینکه شرکت مادر باید دانش فنی، تجربه، ظرفیت مدیریتی و تشکیلات به‌مراتب بالاتری نسبت به تجارت دارا باشد، نمی‌تواند تنها رابطه‌ای کوتاه‌مدت داشته باشد.
۲. صادرات یا تجارت می‌تواند به هر میزانی انجام شود؛ اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمی‌تواند از یک حد معین کمتر باشد.
۳. قبل از نوآوری جدید در حمل‌ونقل و ارتباطات مانند ICT و برای شرکت مادر، کنترل روزمره شرکت تابع، دشوار بوده است. بنابراین یکی از دلایل دیگر رشد چشمگیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دو دهه اخیر گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و یا به صورت کلی، نزدیکی و ادغام بازارهای اقتصادی مختلف کشورها از طریق جهانی‌شدن در عصر جدید است؛ هرچند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود یکی از دلایل پیشرفت جهانی‌شدن اقتصاد تلقی می‌شود [۲۰].

۲-۲ آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان

جریان سرمایه‌گذاری خارجی، با توجه به پتانسیل کشور میزبان آثار مختلفی بر اقتصاد آن دارد. به عبارت دیگر، توانایی‌ها، پتانسیل‌ها، شیوه حمایت، شیوه جهت‌دهی و آثار جریان FDI را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به‌رغم متفاوت بودن آثار جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اقتصاد کشور میزبان، برخی آثار به‌طور عمومی در اکثر مطالعات تجربی تأیید شده‌اند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد [۱۸]:

- انتقال منابع ارزی به کشور میزبان: جریان سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش جریان ارز به کشور میزبان می‌شود و در شرایطی که کشور میزبان مشکل ارزی یا بدهی ارزی داشته باشد، این نقش برجسته‌تر خواهد شد.
- آثار جریان FDI بر رشد و توسعه کشور میزبان: ورود سرمایه‌ها به‌عنوان یکی از منابع مهم تشکیل سرمایه به شمار می‌آید. بنابراین از طریق تقویت سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور میزبان می‌شود.
- رشد اشتغال و پرورش سرمایه انسانی: مطالعات انجام‌شده در کشورهای در حال توسعه، نشان داده که در شرایط بیکاری بالا، جریان سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در حل مشکل داشته است. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همراه با فناوری پیشرفته، سازمان‌دهی و مدیریت برتر وارد کشور میزبان می‌شود. بر این اساس FDI به‌عنوان موتور رشد در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته شناخته می‌شود [29].
- بازار کار در کشور میزبان: در کشورهای صادرکننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مانند آمریکا و اروپای غربی تقاضا برای نیروی کار غیرماهر در حال کاهش و نیروی کار ماهر در حال افزایش است، یکی از دلایل چنین وضعی وجود نیروی کار غیرماهر در سایر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه است. به همین دلیل این شرکت‌ها بخشی از کارخانه را که دارای کاربری نیروی کار غیرماهر است به این کشورها منتقل می‌کنند.

- اما در کشورهای میزبان نیز اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال نیروی کار غیرماهر منفی و بر اشتغال نیروی کار ماهر مثبت است. البته انتظار می‌رفت این اثر در کشورهای میزبان، عکس کشورهای مهمان باشد. عمده دلایل آن وجود شکاف مهارت در این دو نوع کشورها است، به‌رحال افزایش تقاضا برای کارگران ماهر در اثر ورود جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو دلیل است؛ نخست اینکه شرکت‌های چندملیتی که وارد کشورهای دیگر می‌شوند معمولاً دارای تکنولوژی برتری نسبت به شرکت‌های داخلی هستند و به همین دلیل تقاضای آن‌ها برای نیروی کار ماهر بیشتر است. و عامل دوم " اثر سرریز " است که در اثر تکنولوژی‌های جدید و با وارد شدن سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به کشور میزبان ایجاد می‌شود. اثر سرریز موجب یکسان‌سازی و هماهنگی بخش‌های مختلف اقتصاد داخلی شده و در نهایت منجر به افزایش بهره‌وری برای نیروی کار ماهر در بخش‌های مختلف اقتصاد داخلی می‌گردد. نتیجه آن نیز افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر است [۲۰].
- پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی: از آثار مهم فعالیت شرکت‌های فراملیتی بر کشور میزبان، ایجاد پیوند و ارتباط قوی بین اقتصاد کشورهاست و از این طریق در اکثر موارد نتایج مثبتی چون رشد تجارت و انتقال فناوری تجربه شده است [۱۸].
- انتقال فناوری جدید: با ورود سرمایه‌گذاران خارجی، علاوه بر تأمین مالی سرمایه موردنیاز کشور میزبان، تفکرات، فن‌آوری جدید و ایده‌های نو نیز وارد کشور میزبان می‌شود. بر اساس مطالعات برنزتین، گریگوری و لی [26] اثر مثبت FDI بر رشد اقتصادی به دلیل افزایش کارایی سرمایه در اثر انتقال فناوری مناسب و پیشرفته حاصل می‌شود [29].
- توسعه صادرات: اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بهبود و گسترش صادرات و تعامل اقتصاد کشور میزبان با دنیای خارج آشکار است. مهم‌ترین نقش FDI در انتقال اقتصاد کشور میزبان از صادرات مواد خام به صادرات کارخانه‌ای و صنعتی است و در بعضی از حالت‌ها حتی موجب صادرات Hi-Tech هم می‌شود. از طرف دیگر اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان تنها در رشد صادرات و تغییر ساختار صادرات خلاصه نمی‌شود؛ بلکه انتقال دانش جهانی و ورود کشور میزبان به شبکه تولیدات جهانی نیز از مهم‌ترین اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است [۲۰].

۲-۳ جایگاه ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی جهانی

در ایران باوجود نبود وضعیت مناسب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های قبل از انقلاب و ایجاد نوعی بدبینی نسبت به نظام سلطه جهانی و به دنبال آن ملی شدن تمام صنایع بزرگ داخلی و مصادره شرکت‌های خارجی در دوره پس از انقلاب، اوضاع مساعدی برای رشد این نوع سرمایه در کشور به وجود نیامد. همچنین با اعلام سیاست رسمی دولت نسبت به عدم جذب سرمایه‌های خارجی در کشور در دهه اول انقلاب، شرکت‌های فراملیتی، ایران را محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری پیدا نکردند. اما پس از دوران جنگ تحمیلی و با تنظیم برنامه اول توسعه، رویکرد دولت تغییر یافت، به نحوی که سرمایه مستقیم خارجی جذب شد. این سیاست در برنامه‌های بعدی توسعه نیز استمرار یافت. واقعیت این است که در فاصله زمانی تغییر رویکرد رسمی دولت نسبت به جلب سرمایه مستقیم خارجی، راهبرد شرکت‌های فراملیتی در خصوص سرمایه‌گذاری تغییر کرد. بدین معنا که امروزه به علت سهولت در ارتباطات جهانی، آن‌ها به دنبال مکان‌هایی هستند که کارایی بالاتر داشته باشند و تولید خود را با هزینه کمتر به بازارهای جهانی صادر کنند [۱].

مهم‌ترین موضوع در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رصد و بررسی وضعیت این شاخص است تا در صورت مناسب بودن این شاخص برنامه ریزی‌ها جهت حفظ و ارتقا صورت پذیرد و در صورت نامطلوب بودن برای اصلاح و بهبود آن تلاش شود. آنکتاد سالانه وضعیت کشورهای مختلف را در میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گزارش می‌دهد، در ادامه نکات مورد نظر در گزارش ۲۰۱۵ آنکتاد مورد اشاره قرار می‌گیرد.

بر اساس گزارش آنکتاد (۲۰۱۵):

- از میان ۲۰۳ کشور مورد بررسی توسط آنکتاد، ایران در رتبه ۶۷ جهان از نظر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۵ و همچنین میان ۱۴ کشور غرب آسیا رتبه ۶ را به خود اختصاص داده است.
- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده توسط ایران در سال ۲۰۱۵ وارد سومین سال متوالی کاهش خود شد و ۲.۶ درصد نسبت به سال پیش از آن کاهش یافت. ایران در سال ۲۰۱۴ با کاهش ۳۰.۹۸ درصدی و در سال ۲۰۱۳ با کاهش ۳۵ درصدی جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه شده بود.

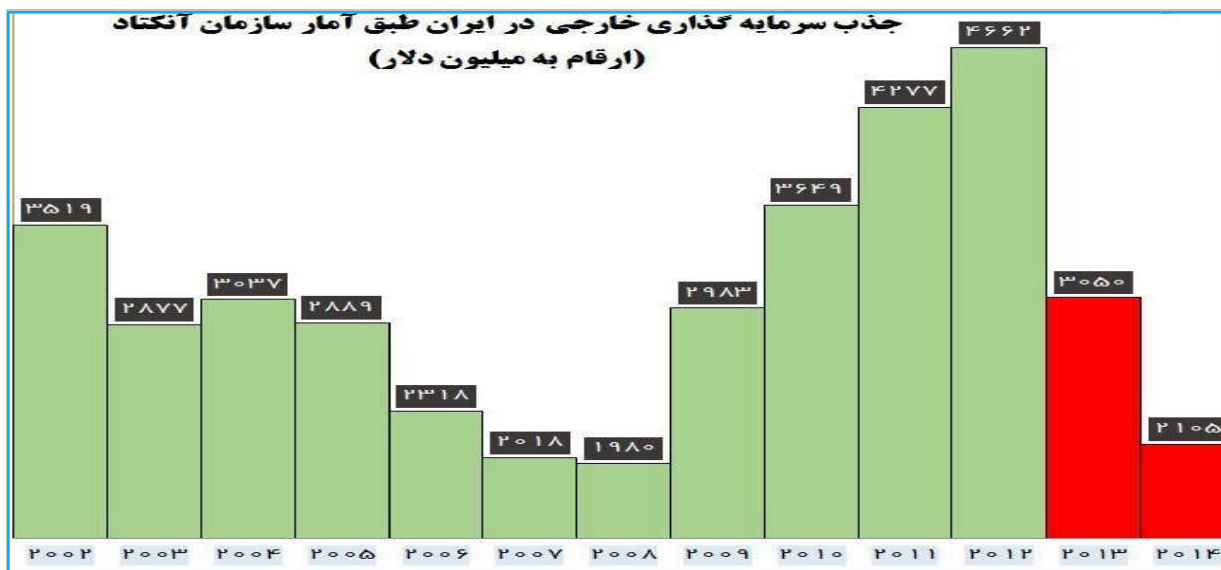
- ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده بود که این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار کاهش یافته است.
- کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که ایران از دهه ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۵ جذب کرده است ۴۵ میلیارد و ۹۷ میلیون دلار برآورد شده است.

میزان FDI ایران و چند کشور منتخب را در شکل ۱ مشاهده می‌کنید.

Country/economy	FDI inflows					FDI outflows						
	2010	2011	2012	2013	2014	2010	2011	2012	2013	2014	2015	
Singapore	55 076 ^a	48 329 ^a	57 150 ^a	66 067 ^a	68 496 ^a	65 262 ^a	35 407 ^a	31 459 ^a	18 341 ^a	39 592 ^a	39 131 ^a	35 485 ^a
Thailand	14 568	3 271	16 517	16 652	3 537	10 845	8 162	6 258	10 597	11 934	4 409	7 776
Timor-Leste	29	47	39	50	49	43	26	-33	13	13	13	13
Viet Nam	8 000	7 519	8 368	8 900	9 200	11 800	900	950	1 200	1 956	1 150	1 100
South Asia	35 069	44 352	32 413	35 629	41 446	50 485	16 294	12 861	8 901	2 156	12 105	7 762
Afghanistan	211	83	94	69	54 ^b	58 ^b	72	70	65	-	-	-
Bangladesh	913	1 136	1 293	1 599	1 551	2 235	15	13	43	34	44	46
Bhutan	76	29	49	14	32	12	-	-	-	-	-	-
India	27 417	36 190	24 196	28 199	34 582	44 208	15 947	12 456	8 486	1 679	11 783	7 501
Iran, Islamic Republic of	3 649	4 277	4 662	3 050	2 105	2 050^c	170^b	220^b	161^a	160^b	89^b	139^b
Maldives	216	424	228	361	333	324	-	-	-	-	-	-
Nepal	87	95	92	71	30	51	-	-	-	-	-	-
Pakistan	2 022	1 162	859	1 333	1 865	865	47	35	82	212	121	23
Sri Lanka	478	956	941	933	894	681	43	60	64	65	67	53
West Asia	63 186	52 832	47 558	45 517	43 290	42 362	17 772	30 406	22 569	44 675	20 366	31 311
Bahrain	156	98	1 545	3 729	1 519	-1 463	334	-920	516	532	-394	497
Iraq	1 396	1 882	3 400	5 131	4 782	3 469	125	366	490	227	242	153
Jordan	1 689	1 486	1 513	1 805	2 009	1 275	28	31	5	16	83	1
Kuwait	1 305	3 259	2 873	1 434	953	293	5 890	10 773	6 741	16 648	-10 468	5 407
Lebanon	3 748	3 177	3 159	2 701	2 906	2 341	487	958	1 012	1 965	1 213	619
Oman	1 243 ^d	1 753 ^d	850 ^d	876 ^d	739 ^d	822 ^a	1 498 ^b	1 222 ^a	884 ^a	10 ^a	1 670 ^d	855 ^d
Qatar	4 670	939	396	-840	1 040	1 071	1 863	10 109	1 840	8 021	6 748	4 023
Saudi Arabia	29 233	16 308	12 182	8 865	8 012	8 141	3 907	3 430	4 402	4 943	5 396	5 520
State of Palestine	206	349	58	176	160	120	84	-128	29	-48	188	185
Syrian Arab Republic	1 469	804	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
Turkey	9 086	16 142	13 284	12 284	12 134	16 508	1 469	2 330	4 105	3 527	6 658	4 778
United Arab Emirates	8 797	7 152	8 828	9 491	10 823	10 976	2 015	2 178	2 536	8 828	9 019	9 264
Yemen	189	-518	-531	-134	-1 787 ^b	-1 191 ^a	71 ^b	58 ^b	8 ^b	5 ^b	12 ^b	8 ^b

شکل ۱ وضعیت ایران در شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (UNCTAD, 2015)

به گزارش آنکتاد، حداکثر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیش از سال‌های جدید تحریم‌ها، حداکثر ۳ میلیارد دلار بوده است (این مبلغ در سال اوج تحریم‌ها (یعنی ۲۰۱۲) به ۴.۶ میلیارد دلار رسیده است). و این میزان در اقتصاد ایران بیش از ۰.۸ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال نبوده است. در شکل ۲، نمودار روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ را مشاهده می‌کنید.



شکل ۲ نمودار میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ (UNCTAD, 2015)

براساس این گزارش حداکثر میزان سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در ایران در سال ۲۰۱۲ بوده که حدود ۴.۶ میلیارد دلار است که این میزان هرگز از یک درصد تولید ناخالص داخلی کشور فراتر نبوده است، ضمن اینکه حدود ۷۵ درصد از همین مقدار سرمایه‌گذاری خارجی نیز در بخش نفت و گاز بوده که صرف تولید و صادرات نفت خام و نه ایجاد ارزش افزوده قابل قبول می شده است. در همه سال‌های پیش و پس از ۲۰۱۲، سرمایه‌گذاری خارجی از عدد ۴.۵ میلیارد دلار کمتر بوده است.

در ضمن مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری خارجی ایران ضمن اشاره به هدف گذاری کمی صورت گرفته در پایان برنامه پنج‌ساله چهارم مبنی بر دستیابی به رشد ۸ درصدی تأکید می‌کند: در بهترین شرایط شاید حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد سرمایه مورد نیاز برای دستیابی به این هدف را بتوان از منابع داخلی تأمین کرد، بنابراین باید بخش قابل توجهی از سرمایه مورد نیاز را از خارج از کشور تأمین کنیم.

رئیس جمهور ایران جناب آقای روحانی: «در سیاست‌های کلی برنامه ششم که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، به درستی بر نرخ رشد ۸ درصدی اقتصاد تأکید شد و اصولاً هدف اصلی برنامه ششم دستیابی به رشد شتابان پایدار و اشتغال‌زا بود اما دستیابی به رشد ۸ درصد مستلزم جذب سالیانه حداقل ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی است.»

با توجه به گزارش انکتاد و بیانات مسولین امر میزان شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و بویژه در سطح بخش خصوصی بسیار کمتر از مقدار مورد انتظار می‌باشد؛ لذا باید ابتدا به ریشه یابی این موضوع پرداخت و از دل دلایل و موانع سرمایه‌گذاری راهکارهایی را جهت بهبود و اصلاح این شاخص ارائه داد.

همانگونه که در بخش های قبل اشاره شد طبق اکثر نظریات اقتصادی در حوزه سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذار- حقیقی یا حقوقی- در صورتی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند که از این عمل مزایایی را به دست آورد؛ که این مزایا را در مکان و زمان و صنعت مورد سرمایه‌گذاری خود جست و جو می‌کند. و بویژه زمانی که بخواهد این سرمایه را در خارج از مرزهای کشور خود به کار برد در جست‌وجوی اطلاعات ویژه در مورد کشور مورد نظر برخواهد آمد. معمولاً موسسات مختلفی در سطح دنیا به ارائه اطلاعات مورد نظر این گونه افراد در مورد کشورهای مختلف می‌پردازند. به همین جهت در ادامه شاخص های تاثیر گذار بر میزان جذب FDI در ایران و همچنین برخی از گزارشات بین‌المللی معتبری که مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی است و به بررسی این عوامل می‌پردازند اشاره خواهیم کرد و به بررسی آن ها خواهیم پرداخت.

۲-۴ عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان اثرگذار هستند. امروزه کشورهای مختلف با ایجاد زیرساخت‌های لازم، زمینه جذب و ورود سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم می‌کنند، به طوری که از توجه خاص کشورهای توسعه یافته به بسترسازی های سیاسی و اقتصادی جریان FDI به‌عنوان عامل اصلی شکاف در جریان سرمایه‌گذاری ها به کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، یاد می‌شود [۳].

عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری های خارجی بر اساس چارچوب های بین‌المللی و تجربه کشورهای مختلف، به ۴ گروه به شرح زیر تقسیم می‌شود [۱۸]:

عوامل سنتی: این عوامل بر اساس نظریه های کلاسیک، دربرگیرنده عوامل جغرافیایی، منابع طبیعی، نیروی کار فراوان و ماهر است؛ در گذشته عامل اصلی ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور میزبان به شرایطی چون داشتن منابع طبیعی و نیروی کار فراوان ربط داده می شد اما جریان سرمایه‌گذاری های گسترده افراد حقیقی و حقوقی به کشورهای میزبان فاقد منابع طبیعی، نظریه های موجود در زمینه توجیه جریان سرمایه ها را دچار تغییر نمود و بعد از تجربه موفق کشورهایی چون هند و چین عوامل دیگری در توجیه جریان سرمایه‌گذاری های خارجی به کشور میزبان مطرح شدند.

عوامل اقتصادی: از جمله مهم ترین عوامل مؤثر در جریان سرمایه‌گذاری خارجی در نظریه های جدید، عوامل اقتصادی هستند. این عوامل ورود جریان سرمایه ها به کشور میزبان را تضمین می کنند. مهم ترین این عوامل عبارتند از:

• درجه باز بودن اقتصادی

• آزادسازی اقتصادی که شامل حذف موانع تعرفه ای، خصوصی سازی، سیاست های ارزی و سیاست های مالیات ستانی است.

• اندازه بازار کشور میزبان

• عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی (GNP)، نرخ تورم، کسری یا مازاد بودجه و بدهی های خارجی کشور، و

شرایط ارتباطی و زیربنایی.

عوامل حمایتی و تشویقی: این عوامل تضمین کننده مدت حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان هستند. مهم ترین عوامل

تشویقی و حمایتی عبارتند از:

• عوامل تشویق کننده شامل بیمه و حمایت از سرمایه‌های داخلی و خارجی،

• حذف فساد و بوروکراسی اداری،

• عوامل تسهیل کننده سرمایه‌گذاری، و

• تسهیلات رفاهی.

عوامل سیاسی و امنیتی: آخرین دسته از عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجیان بر اساس نظریه های جدید، عوامل سیاسی و

امنیتی هستند. مهم ترین این عوامل عبارتند از:

• نظام سیاسی کشور،

• نوع نگرش دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی،

• قوانین و مقررات حقوقی،

• سیاست های متمرکز بر ساختار و عملکرد بازار بویژه سیاست های مرتبط با رقابت، ادغام و موقعیت بین‌المللی، و

• عوامل فرهنگی.

آنچنان که از موارد مذکور آشکار است، حمایت از حقوق مالکیت فکری به‌عنوان بخشی از عوامل حمایتی-تشویقی و عوامل سیاسی-امنیتی مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌آید زیرا باوجود حمایت از حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاران در کشور میزبان از نظر امنیت اقتصادی و سیاسی تضمین می‌شوند. همچنین حمایت از حقوق مالکیت فکری، موجب تداوم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان می‌شود.

به دلیل اهمیت ویژه عوامل اقتصادی بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از منظری دیگر می‌توان عوامل مؤثر بر FDI را به

دو دسته کلی عوامل اقتصادی و عوامل غیر اقتصادی تقسیم بندی کرد [۱۲]:

(۱) عوامل اقتصادی: در این قسمت به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب FDI که با شاخصهای کمی اقتصادی قابل بیان بوده پرداخته

ایم که شامل عوامل زیر است :

الف) عوامل ساختاری : شامل زیر ساختهای اقتصادی مانند راه ها، بنادر، سیستم های ارتباطی و نیز عواملی تاثیرگذاری مانند درجه آزادی

اقتصادی، گستردگی اندازه بازار کشور ، ارزانی نیروی کارو همچنین امنیت اقتصادی کشور میزبان می باشد .

▪ **درجه آزادی اقتصاد:** سیاستهای بسته اقتصادی باعث ایجاد مانعی بزرگ بر سر راه دسترسی به بازارهای مالی و فناوری های نوین جهانی است

و کشورهای درحال توسعه با درک این واقعیت دست به اصلاح ساختار و سیاستهای خویش جهت تسهیل ارتباطات و تبادلات تجاری زده اند.

تجارت کشورهای درحال توسعه با کشورهای پیشرفته به لحاظ فناوری باعث می‌شود کشورهای درحال توسعه از فواید هزینه های تحقیق و توسعه

کشورهای پیشرفته برخوردار شوند، یعنی با واردات کالاهای سرمایه ای با دانش فنی پیشرفته و تحقیق بر روی آنها و بومی کردن آن می توانند

سریعتر سطح دانش فنی خود را ارتقا دهند. افزون بر این، افزایش درجه بازبودن اقتصاد از طریق گسترش رقابت بین بنگاههای داخلی و خارجی

به بهبود بهره‌وری بنگاهها کمک میکند، یعنی بنگاههای داخلی انگیزه بیشتری برای ارتقای کارایی خود برای بقا در بازار خواهند داشت در

مطالعات اقتصادی برای تخمین مدل تحقیق معمولاً از تقسیم مجموع ارزش صادرات و واردات به کل GDP برای تعیین شاخص درجه آزادی

اقتصاد استفاده می‌شود.

▪ **اندازه بازار:** اقتصاد با مقیاس وسیع انگیزه سودآوری و سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می دهد چراکه در این صورت بهره‌وری فن آوری و

سرمایه‌گذاری بیشتر می‌گردد. اقتصاد بزرگتر در حقیقت پشتیبان فعالیت بنگاههای اقتصادی است و نویدبخش تنوع سرمایه‌گذاری برای

سرمایه‌گذاران است که این امر از ریسک سرمایه‌گذاری نیز خواهد کاست. در بیشتر مطالعات اقتصادی جهت تخمین مدل تحقیق از میزان

تولید ناخالص ملی هر کشوری بعنوان شاخص اندازه بازار استفاده می‌شود [۷].

▪ **امنیت اقتصادی:** ایجاد بستر های امنیتی سیاسی، اجتماعی و حقوقی لازم که در چارچوب آن سرمایه گذار اطمینان به برگشت اصل و سود سرمایه خود داشته باشد منجر به ایجاد فضای امن اقتصادی خواهد شد و در این صورت اولاً سرمایه‌گذاران داخلی بازار داخلی را به بازارهای خارجی ترجیح خواهند داد و ثانیاً بکارگیری سرمایه های داخلی در فعالیتهای داخلی، سیگنالی به سرمایه‌گذاران خارجی جهت نشان دادن امنیت اقتصادی در کشور میزبان خواهد داد همچنانکه فرار سرمایه های داخلی نشانی از عدم امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاران خارجی است بدین لحاظ میتوان از میزان سرمایه‌گذاری داخلی به‌عنوان شاخصی از گروه شاخص امنیت اقتصادی استفاده کرد. دلیل انتخاب این متغیر بعنوان شاخص امنیت اقتصادی را میتوان به بیان دیگر چنین گفت: این متغیر از آن جهت (در گروه شاخصهای امنیت اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود که اولاً به‌عنوان متغیر اصلی در مدل های رشد کلاسیک محسوب می‌شود و ثانیاً نرخ سرمایه‌گذاری داخلی بازتابی از گرایش مردم برای کسب و کار و اعتماد آن ها به آینده اقتصاد است. این متغیر همچنین اطلاعاتی از محیط سرمایه‌گذاری در کشور مقصد ارایه می نماید. انتظار بر این است که رابطه مثبتی بین سرمایه‌گذاری داخلی و جریان سرمایه‌گذاری خارجی باشد [۴].

▪ **سرمایه انسانی:** با پیچیده شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی رود لذا کشورهایی در جذب FDI موفق هستند که از نیروی کار آموزش دیده برخوردار باشند. وجود نیروی کار ارزان قیمت و نیز نیروی کار آموزش دیده بعنوان محرکی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمل می کند چراکه ارزانی نیروی کار هزینه های تولید را کاهش می دهد و نیروی کار آموزش دیده زمینه بکار گیری و انتقال فناوری نوین را فراهم می آورد بدین خاطر کشورهای درحال توسعه در راستای جذب این نوع از سرمایه‌گذاری، به بهبود زیرساخت های آموزشی و تأکید ویژه بر گسترش دانش و تربیت و آموزش نیروی کار همت گمارده اند.

ب) عوامل سیاستگذاری: شامل سیاستهای پولی، مالی و ارزی در جهت ایجاد ثبات اقتصادی از طریق کنترل تورم و نرخ ارز و نیز کاهش میزان ریسک سرمایه‌گذاری می باشد. آشفته‌گی بازار داخلی و برهم خوردن تعادل‌های اقتصادی و نوسان متغیرهای کلان اقتصادی از جمله شاخص قیمت منجر به بی ثباتی اقتصاد داخلی خواهد شد و سرمایه گذار خارجی در پیش بینی سود و زیان سرمایه‌گذاری خود دچار سردرگمی شده و در میزان سرمایه‌گذاری خویش مردد خواهد بود پس ثبات اقتصادی لازمه جذب سرمایه گذار خارجی خواهد بود یکی از متغیرهایی که میتوان بعنوان شاخص ثبات اقتصادی استفاده کرد نرخ تورم در هر کشور است چراکه ثبات تقریبی قیمت‌ها، فضای با ثباتی را برای پیش بینی سود حاصل از سرمایه‌گذاری به وجود خواهد آورد [۵].

۲) عوامل غیراقتصادی: این عوامل به سه دسته عوامل طبیعی، سیاسی و حمایتی تقسیم می شوند که عوامل طبیعی شامل دو عامل منابع طبیعی (مانند منابع معدنی و منابع اولیه تولید) و موقعیت جغرافیایی (مانند دسترسی به گذرگاههای تجاری می باشد، عوامل سیاسی نیز نشان دهنده تعاملات سیاسی بین کشورهای میهمان و میزبان سرمایه‌گذاری مستقیم می باشد و عوامل حمایتی و تشویقی نیز در حقیقت بیانگر نحوه اعطای حمایت‌های خاص و امتیازاتی است که به سرمایه‌گذاران خارجی داده می‌شود [۱۷].

۲-۵ عوامل غیر اقتصادی مؤثر بر جذب FDI

در ابتدا به بررسی وضعیت برخی از عوامل غیر اقتصادی در کشور ایران می پردازیم و در ادامه برخی از مهم ترین عوامل اقتصادی را به کمک چند گزارش بین‌المللی معتبر بررسی می کنیم

موقعیت جغرافیایی

منظور از عوامل جغرافیایی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپولتیکی کشور است. موقعیت جغرافیایی یک کشور نقش مهمی در تحولات اقتصادی آن دارد. در این مورد می‌توان از کشورهای واقع در منطقه آسیای جنوبی به‌عنوان مثال نام برد. موقعیت جغرافیایی این کشورها واقع شدن در منطقه حاره، سهولت دسترسی به جزایر گذرگاه تجاری بین حوزه اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام) موجب شده تا این منطقه در طول دو هزار سال به صورت مراکز تجاری بین‌المللی عمل کند. همین عامل در جذب سرمایه‌های خارجی و رشد و توسعه اقتصادی کشورهای این منطقه در دو دهه اخیر نقش عمده ای را ایفا کرده است [۲۳].

همچنین با توجه به موقعیت جغرافیایی و مسیر ترانزیتی خاص ایران، تولید در ایران علاوه بر تأمین نیازهای بازار داخلی می‌تواند به شکلی مناسب جهت صادرات به کشورهای همجوار انجام گیرد.

وضعیت جمعیت شناختی

طبق نظریه تولید و اندازه بازار یک بنگاه در صورتی که وضعیت بازار را در داخل یک کشور مناسب قلمداد کند اقدام به سرمایه‌گذاری خواهد کرد. به عبارتی یک کشور با فروش بیشتر در یک کشور خارجی، به انجام سرمایه‌گذاری مستقیم تمایل پیدا کرده و به طور مداوم حجم سرمایه خود را با فروش بیشتر در کشور میزبان افزایش می‌دهد. معمولاً برای توصیف اندازه بازار از جمعیت و تولید ناخالص داخلی استفاده می‌کنند [۶]. از اینرو در ادامه به بررسی وضعیت بازار در کشور ایران می‌پردازیم.

افزایش جمعیت منجر به افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. دلیل این مساله این است که اقتصاد با مقیاس بزرگ‌تر شرایط بهتری را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کند. زیرا اولاً اندازه بازار در میزان جذب FDI با جهت‌گیری بازار داخلی و بخش‌های غیرتجاری به ویژه خدمات، بسیار مؤثر است و ثانیاً اقتصاد با اندازه بزرگ‌تر تنها پشتیبان فعالیت‌های اقتصادی است، بلکه فرصت‌های بیشتری را برای تنوع تولید در اقتصاد فراهم می‌آورد [۱۱].

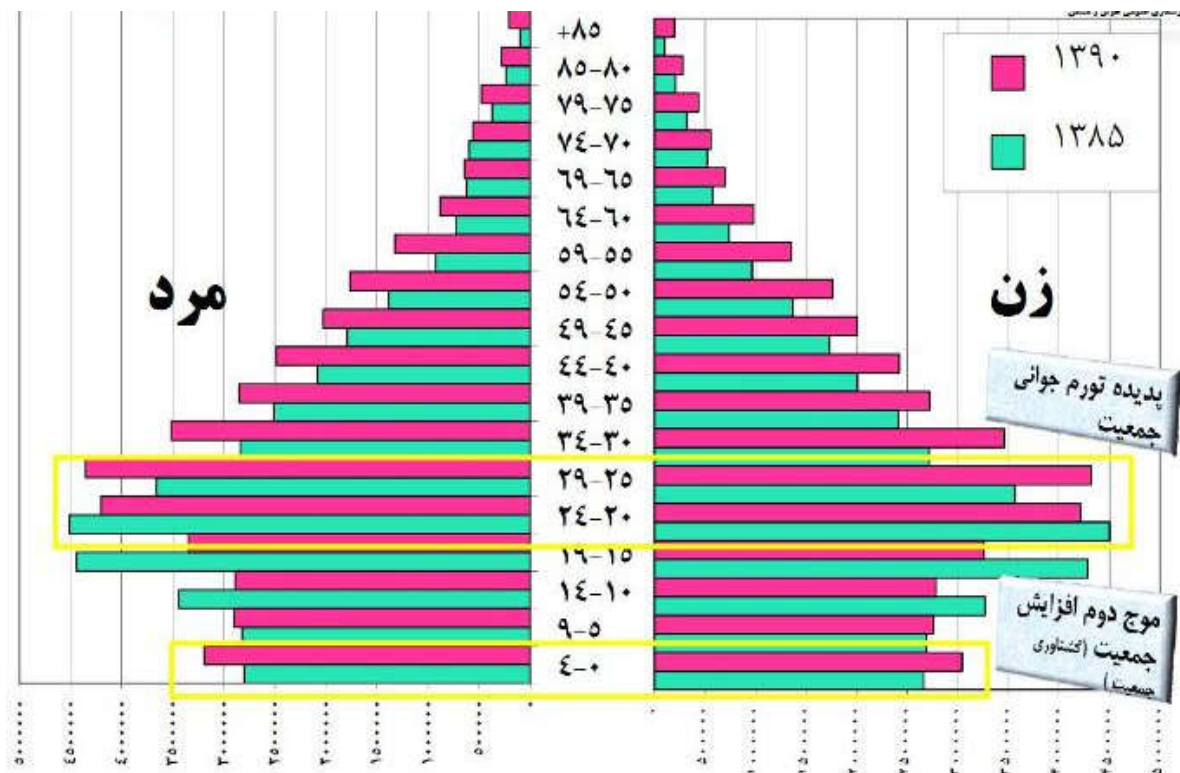
جمعیت ایران در انتهای سال ۲۰۱۵ چیزی در حدود ۷۸.۸ میلیون نفر معادل ۱.۰۸ درصد جمعیت کل دنیا برآورد شده است و این یعنی از هر ۹۳ نفر انسان روی زمین ۱ نفر در ایران زندگی می‌کند. این میزان جمعیت نوید یک بازار بسیار مناسب را به هر سرمایه‌گذاری می‌دهد. نمودار جمعیتی ایران در قالب شکل ۳ قابل مشاهده است.

IRAN POPULATION



شکل ۳ جمعیت ایران - Source: www.TRADECINIMICS.COM/CENTRAL BANK OF IRAN

علاوه بر این هرم سنی جمعیت ایران که در حال حاضر هرمی خمره‌ای شکل است نشان از میزان بالای جمعیت جوان و میانسال که به‌عنوان مصرف‌کنندگان اکثر محصولات مطرح می‌شود، نیز به‌عنوان یک عامل مثبت دیده می‌شود. در شکل ۴ مقایسه هرم جمعیتی ایران به تفکیک جنسیت در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به‌عنوان آخرین دوره سرشماری رسمی مرکز آمار ایران را مشاهده می‌کنید.



شکل ۴ وضعیت هرم سنی ایران (منبع: مرکز آمار ایران)

اما چرا با توجه به مزایای مکانی و جمعیتی ایران میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران بسیار کمتر از حد انتظار است؟ و با این مزایا طبق گزارش آنکتاد حتی در منطقه غرب آسیا به‌عنوان ششمین کشور در جذب این سرمایه‌ها قرار دارد؟ تاکنون اولین پاسخی که پس از بیان این پرسش‌ها مطرح می‌شد به بحث تحریم‌های اقتصادی و به ویژه تحریم‌های بانکی و مالی اشاره می‌کرد. هرچند تحریم‌ها عاملی بسیار مهم در کاهش شاخص FDI برای کشور بود اما همانطور که قبلاً اشاره شد رفع تحریم‌ها به تنهایی نمی‌تواند کلید حل این مشکل باشد. همانطور که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد کشورها و شرکت‌های زیادی تمایل خود جهت همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران را اعلام کردند، اما با گذشت چند ماه هرچند توافقات مثبتی صورت گرفته است اما میزان جذب سرمایه با شرایط مطلوب فاصله دارد و این موضوع نشانگر این است که عوامل دیگری نیز در موضوع جذب سرمایه خارجی مؤثر هستند.

عوامل فرهنگی

مسائل فرهنگی می‌تواند در کاهش سرمایه‌گذاری خارجی نقش داشته باشد. اکثر کشورهای در حال توسعه با دیدی استثمارگرانه به سرمایه‌های خارجی می‌نگرند و معتقدند که سرمایه‌گذاران خارجی قصد استثمار منابع آن‌ها را دارند. یکی از دلایل موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی نسبت به کشورهای آمریکای لاتین در جذب سرمایه‌های خارجی، ثبات سیاسی و اصلاحات ساختاری و تغییر این نوع نگاه به سرمایه‌گذاری است [۲۳]. داشتن ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه خارجی، تعامل ضعیف بین اتباع ایرانی و سرمایه‌گذاران خارجی هم از جمله موانع فرهنگی در این زمینه تلقی می‌شوند.

برخی رویکردهای نادرست در مورد پیامدهای ورود سرمایه‌های خارجی به کشور در مسیر جذب این منابع مالی سنگ اندازی می‌کند. برخی هنوز بر این باورند که حضور سرمایه‌گذاری خارجی در کشور موجب وابستگی و ایجاد سلطه در کشور می‌شود، این در حالی است که مدیریت مناسب سرمایه‌های خارجی به رشد و توسعه اقتصادی و آمادگی بیشتر برای حضور در اقتصاد جهانی منجر خواهد شد. در هر صورت باید گفت: گسترش جذب سرمایه خارجی به اصلاح و بازبینی ساختارهای اقتصادی، رویکردهای سیاسی و فرهنگی و بازبینی قوانین منوط است. اتخاذ دیپلماسی هوشمندانه خارجی، تعامل مثبت با همه کشورها بویژه کشورهای تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی، بازی در چارچوب قواعد نظام بین الملل با تمرکز بر منافع ملی لازم و ضروری است.

ترس بی مورد از زیان های ناشی از ورود سرمایه گذاران خارجی به کشور که ریشه در گذشته تاریخی ما دارد، نباید باعث چشم پوشی ما از موانع بی شمار سرمایه گذاری مستقیم خارجی شود. مدیریت صحیح این سرمایه ها نه تنها به سلطه خارجی بر کشورمان منجر نخواهد شد، بلکه با تأمین منابع، انتقال فناوری و نظام های کارآمد مدیریتی، رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورمان به ارمغان خواهد آورد. البته این مساله بیش از هر چیز به مدیریت سرمایه های خارجی در داخل منوط است.

همچنین عامل دیگری که خارج از فضای واقعی اقتصادی و حتی سیاسی شکل گرفته و بیشتر جنبه تاثیرگذاری برافکار را دارد وجود فضای منفی و زیان باری است که در خود ایران (به ویژه در رسانه ملی و در برخی تریبون های رسمی) نسبت به آینده توافق هسته ای موسوم به برجام به صورت تصنعی ایجاد شده است. در صورت دامن زدن بیش از حد به این موضوع نه تنها امید تولیدکنندگان و سرمایه گذاران داخلی را در خصوص سرمایه گذاری به یاس تبدیل می کند بلکه مانعی بزرگ برای حضور سرمایه گذاران خارجی محسوب می شود.

عوامل سیاسی-قانونی

یکی از موانع بسیار بزرگی که سال هاست گریبانگیر اقتصاد ایران است تحریم های بین المللی است. این تحریم ها در چند سال اخیر و در پی مناقشه هسته ای ایران و غرب شدت یافت. در سال ۱۳۹۴ و با توافق ایران با گروه ۵+۱ موسوم به برجام تحریم های شورای امنیت سازمان ملل به طور رسمی برچیده شد اما هنوز به صورت عملی تمامی جنبه های این تحریم ها از بین نرفته است، اما به طور کلی پس از اجرای برجام فضای مثبتی هم در داخل ایران و هم در خارج از کشور جهت ایجاد تبادلات مالی و سرمایه ای به وجود آمده است که این امیدواری قطعا می تواند در زمینه سرمایه گذاری مستقیم نیز به یاری اقتصاد ایران بیاید.

مانع دیگر در جذب سرمایه خارجی در کشور ما از نظر برخی تحلیلگران، مشکلاتی است که برخی از اصول قانون اساسی و سایر قوانین و آیین نامه ها کشور در مسیر جذب سرمایه خارجی ایجاد می کنند. به عنوان نمونه اصل ۸۱ قانون اساسی که ناظر بر ممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان است یا اصل ۱۳۹ قانون اساسی که دادگاه های ایران را به عنوان داور نهایی در حل و فصل اختلافات میان دولت ایران و سرمایه گذار خارجی تعیین کرده است، خود مانعی در جذب سرمایه های خارجی است.

۲-۶ عوامل اقتصادی

در بررسی وضعیت بازار در کشور مبدا علاوه بر جمعیت عامل بسیار مهم دیگر شاخص تولید ناخالص داخلی است که در واقع با کمک اندازه جمعیت و تولید ناخالص داخلی می توان از درآمد سرانه به عنوان شاخص قدرت خرید بهره برد. به علت رشد اقتصادی منفی ایران در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ مقدار این شاخص در این سال ها کاهش یافته است. اما روند این کاهش در سال ۲۰۱۵ متوقف شده و طبق پیش بینی ها و انتظارات اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ می تواند به رشد حدودا ۵ درصدی دست یابد. میزان تولید ناخالص داخلی در سال های اخیر را در شکل ۵ مشاهده می کنید.



شکل ۵ تولید ناخالص داخلی ایران Source: www.TRADECINIMICS.COM/CENTRAL BANK OF IRAN

در این شرایط با توجه به وضعیت رشد منفی اقتصادی در سال‌های اخیر، شاخص تولید ناخالص داخلی می‌تواند عامل کاهنده‌ای در جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد اما با در نظر گرفتن انتظارات جهت رشد اقتصادی در سال جاری و در صورت تداوم این امر در آینده این موضوع می‌تواند به جذب سرمایه خارجی کمک کند.

از آمارهای اقتصادی دیگر که در بحث سرمایه‌گذاری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد نرخ بیکاری است. وضعیت نیروی کار به‌عنوان یکی از نهاده‌های تولید عاملی است که در تئوری درونی کردن مورد توجه قرار می‌گیرد و بیان می‌شود که در صورتی که عوامل تولید در داخل یک کشور با هزینه کمتری تأمین شود سرمایه‌گذاری می‌تواند بر صادرات ارجح باشد. در نظریه مکانی نیز به عدم تحرک عوامل تولید از جمله نیروی کار به همین دلایل توجه می‌شود. با توجه به شکل ۶ نرخ بیکاری ایران در ژوئن ۲۰۱۶ حدود ۱۱.۸ درصد است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند آثار متعددی بر اشتغال و توسعه نیروی انسانی داشته باشد. در واقع اگر در یک کشور در حال توسعه، بیکاری عمدتاً علت ساختاری داشته باشد و هیچ منبع سرمایه‌گذاری نیز موجود نباشد، در این صورت سرمایه‌گذاری‌های خارجی به افزایش اشتغال نیز منجر خواهد شد [۶].

IRAN UNEMPLOYMENT RATE



شکل ۶ نرخ بیکاری در ایران Source: www.TRADECINIMICS.COM/CENTRAL BANK OF IRAN

این میزان نشان می‌دهد که نیروی کار مورد نظر در داخل ایران وجود دارد و به دلیل نرخ ارز پایین که منجر به سطح دستمزد پایین در سطح بین‌المللی می‌شود از این نظر نیز سرمایه‌گذاری و تولید در خاک ایران می‌تواند برای سرمایه‌گذاران مفید باشد. اما در شرایط متفاوت با افزایش نرخ دستمزد در کشور میزان به معنی افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه، کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود به عبارتی ممکن است که با افزایش نرخ دستمزد، هزینه نسبی عوامل تغییر کند و شرکت سرمایه‌گذار از یک فناوری سرمایه بر استفاده نماید [۶].

زیرساخت‌ها

یکی دیگر از موانع جذب FDI زیرساخت‌های اقتصادی نامناسب است. به‌عنوان نمونه نبود نظام حمل و نقل مناسب در کشور، تمایل سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در کشورمان کاهش می‌دهد.

کرنل در دیدگاه نظری خود معتقد است که تأثیر زیرساخت‌ها بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد به لحاظ تئوریک از دو جنبه باید بررسی بشوند: نوع اول زیر ساخت‌ها که به خدمات جهانی زیر ساخت‌ها معروف است و شامل راه‌ها، جاده‌ها، خطوط تلفن ثابت و همراه و شبکه‌های اینترنتی می‌شوند. وی اعتقاد دارد که استفاده از شبکه‌های اینترنتی و مشارکت جهانی در شبکه‌های ارتباطی خود نوعی خدمات جهانی زیرساختی محسوب می‌شوند و افزایش مشارکت جهانی از شبکه‌های ارتباطی خود پیشرفت رشد اقتصادی کشورها را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد وی نوع دوم زیرساخت‌ها، به زیرساخت‌های بخش اشتغال و کاربایی معروف است. زیرساخت‌های بخش اشتغال از طریق توسعه و بهبود سطح زیرساخت‌های اجتماعی مانند وضعیت بهداشت و سلامت و آموزش عمومی می‌تواند منجر به افزایش فرصت‌های شغلی شود [۱۴].

میزان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای در حال توسعه در چند سال اخیر افزایش قابل توجهی داشته است؛ میزان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۱۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به بیش از یک تریلیون دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش پیدا کرده است. دلیل عمده ای که برای چنین پدیده ای ذکر می‌شود، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در این کشورها است. از جمله مهم ترین زیرساخت‌ها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حفظ آن، توجه به حقوق مالکیت فکری (IPR) است [۱۸].

امروزه شکاف در نظام های مالکیت فکری در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به عنوان دلیل اصلی تفاوت در سطح جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و جریان بین‌المللی سرمایه‌های خصوصی به شمار می‌آید؛ بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل ضعف در سیستم نظام مالکیت فکری، میزبان دائمی برای جریان سرمایه‌های خارجی نیستند در حالی که کشورهای توسعه یافته بعد از جنگ جهانی دوم، اساس رشد و توسعه خود را بر پایه حقوق مالکیت فکری بنا نهاده اند و به همین دلیل، سهم زیادی از جریان سرمایه‌های خارجی داشته اند [۱۸].

ضعف سیستم مالکیت فکری در کشور ایران، آثار زیانباری بر اقتصاد کشور داشته است، در شرایط فعلی اقتصاد کشور، بیشتر شرکت‌های خارجی و برخی از شرکت‌های خصوصی داخلی از تلاش در راستای افزایش میزان سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در زمینه صناعی که حقوق مالکیت فکری از اهمیت بالایی برخوردار است، بازمانده اند و سرمایه‌های خارجی تنها در صنایع سرمایه بر و کاربر (که سهم نیروی انسانی ماهر چندان بالا نیست) متمرکز شده اند. مطالعات مختلف نشان داده که ضعف سیستم مالکیت فکری دلیل اصلی چنین انحرافات در جریان سرمایه‌های خارجی است (مهدوی و برخورداری، ۱۳۸۷). بنابراین بر اساس معیارهای جهانی، موقعیت ایران از نظر حمایت از حقوق مالکیت معنوی در سطح ضعیفی قرار دارد و می‌تواند یکی از دلایل توجیه کننده حجم اندک سرمایه‌گذاری‌ها و بخش های سرمایه‌گذاری شده توسط خارجیان باشد. و پایین بودن سهم ایران در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بیشتر به دلیل تمایل بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش های فاقد حقوق مالکیت معنوی با حضور اندک آن بوده است [۱۸].

به جز بحث زیرساخت‌ها عوامل متعدد دیگری در این زمینه دخیل هستند و باید اشاره کرد که هر چند موارد مطرح شده، عوامل مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند اما عوامل مهم دیگری وجود دارند که نبود آن‌ها می‌تواند سهم موقعیت مکانی مناسب را در جذب FDI کمرنگ کند.

توسعه نامناسب بازار مالی [۱۰]

ساختار مالی ایران پس از انقلاب و تصویب قانون بانکداری بدون ربا، به سمت محوریت نظام مالی بانکی حرکت کرده است و اساسا این نظام مبتنی بر بانک^۴ است. تصویب این قانون موجب حضور بانک‌ها در چرخه فعالیت بخش واقعی اقتصاد و ارائه خدمات مالی گسترده گردیده است. از سویی دیگر، ناتوانی بازار سرمایه در جذب سرمایه‌گذاران، به علل مختلف از جمله، نرخ های سود غیرتعدالی در بازار پول و تلاش سیاست گذاران در کنترل غیرمتمعارف نرخ سود اوراق بهادار، نبود قوانین مناسب، حمایت دولت از بخش دولتی اقتصاد، نبود نیاز بخش های اقتصادی از تأمین مالی عمومی و مواردی از این قبیل باعث شده تا بازار سرمایه ایران، به توانمندی های واقعی یک بازار مالی دست نیابد و کشور نتواند از ابزارهای گوناگون مالی معمول و مطرح دنیا برای تجهیز منابع و جذب سرمایه‌گذاری استفاده نماید.

هر چند اخیرا ابزارهای مالی جدید طراحی شده اند و قوانین خوبی در این خصوص به تصویب رسیده است اما در کنار این موضوع باید به موضوع دیگری نیز توجه کرد که هر چند در اقتصاد ایران، دو کفه بازار پول و بازار سرمایه، به نفع بازار پول سنگینی می‌کند، اما این بازار نیز با توجه به محدودیت‌ها و شرایط نامناسب موجود، نتوانسته بسترهای لازم را جهت ورود سرمایه مهیا کند.

در نظام مالی مبتنی بر بازار پول، نقش بانک‌ها غیرقابل انکار است و در چنین شرایطی و در عین وابستگی نظام مالی کشور به بانک‌ها، شاهدیم که خود بانک‌ها نیز با مشکلات عدیده ای رو به رو هستند که مهم ترین آن‌ها عبارتند از مسایل و مشکلات ناشی از دولتی بودن مالکیت بانک‌ها و سیاست‌های بعضا نادرستی که به بانک‌های خصوصی و دولتی دیکته می‌شود. ساختار دولتی حاکم بر بانک‌ها و نبود زمینه‌ها و بسترهای قانونی و اجرایی لازم جهت حضور و فعالیت بانک‌های خارجی در داخل کشور می‌تواند به‌عنوان یکی از محدودیت‌های ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد مذاقه قرار گیرد.

⁴. Bank based

امنیت مالی و بیمه سرمایه‌گذار [۱۰]

حتی اگر انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی برای سرمایه‌گذاری کاملاً مساعد باشد، اما سرمایه‌گذار با خطراتی از قبیل سلب مالکیت، عدم امنیت جانی و مالی، ریسک انتقال پول، نقض قرارداد و غیره مواجه باشد، وی اقدام به سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذار خارجی که در محیط خارج از موطن اصلی خودش به کسب و کار می‌پردازد، حساسیت زیادی نسبت به خطرات فوق دارد و همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، امنیت سرمایه و سود برای سرمایه‌گذار مهم ترین عامل است. در راستای رفع این نگرانی، کشورها از ابزارها و روش های مختلفی استفاده می‌کنند تا نگرانی سرمایه‌گذار را به حداقل ممکن برسانند. یکی از این روش ها اجرای قوانین بیمه برای سرمایه‌گذار خارجی است. در بسیاری از کشورها، قوانین بیمه کشور بین اتباع داخلی و خارجی تبعیض قائل نمی‌شود و در صورت بروز حوادث و خطرات، با پرداخت خسارت عادلانه، زیان آن‌ها را جبران می‌کند. بعضی از کشورهای پذیرنده سرمایه نیز سعی می‌کنند تا حد امکان تنها خطرهای سیاسی و کشوری را پذیرا شوند. این دسته از کشورها اغلب با عضویت در موسساتی مانند میگا^۵، وابسته به بانک جهانی و یا با استفاده از بیمه های سرمایه‌گذاری، چنین خطرهایی را به عهده دیگران می‌گذارند و خود را از بار تعهدات مخاطره آمیز رهایی می‌دهند.

در واقع بیمه سرمایه‌گذار یکی از عواملی است که در ایجاد امنیت مالی برای سرمایه‌گذار نقش مهمی را ایفا می‌کند و متأسفانه در کشور ما به این مهم توجه جدی نشده است و نتوانسته ایم از این پتانسیل و فواید آن در راستای ایجاد فضای مناسب سرمایه‌گذاری برای خارجی ها استفاده کنیم. جایگزین آن، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی است که سرمایه‌های خارجی را البته در مواردی از جمله در مقابل ملی شدن بیمه می‌کند. نقش بیمه در ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و دادن تضمین های لازم (صریح و ضمنی) به سرمایه‌گذار خارجی در کشور ما مغفول مانده است و مستلزم وضع، و مهم تر از آن، اجرای قوانین صحیح و اصولی می‌باشد

در ادامه به بررسی مهم ترین این عوامل بویژه در گزارش های بین‌المللی معتبر مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی می‌پردازیم.

۷-۲ آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی یکی از مهم ترین موضوعات در بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. درجه باز بودن اقتصاد و آزادی اقتصادی به‌عنوان عوامل کلیدی در همه مدل ها و برای تمامی گروههای کشوری معنادار ظاهر شدند [۷]. نتیجه بدست آمده این دستاورد، سیاستی را به همراه دارد که صرف نظر از وضعیت کلان اقتصادی کشورها بدون شک آزادسازی فضای اقتصادی کشور به‌عنوان یک عامل کلیدی تعیین‌کننده جریان سرمایه‌گذاری خارجی به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر چنانچه سایر عوامل مؤثر را به‌عنوان شرط لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلقی نماییم، مصادیق آزادسازی اقتصادی (آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد و ...) شرط کافی برای تحقق این امر محسوب می‌شود که می‌تواند در مورد ایران نیز کاربرد یابد [۱۶]. لذا این شاخص را در گزارش بنیاد هریتیج بررسی می‌کنیم.

معرفی شاخص آزادی اقتصادی Economic Freedom

شاخص آزادی اقتصادی جهان که اکنون بیست سال از عمر آن می‌گذرد حاصل دو دهه تلاش مشترک بنیاد هریتیج و وال استریت ژورنال است. شاخص آزادی اقتصادی که پیشرفت کشورها را در زمینه ی دستیابی به آزادی اقتصادی می‌سنجد، راهگشای عملیاتی سیاستگذاری اقتصادی کشورها است که با پوشش ۱۸۶ کشور ۹۹ درصد از مردم جهان را دربر می‌گیرد. این شاخص، میزان آزادی اقتصادی کشورها را بر اساس حاکمیت قانون، کارایی مقررات تنظیمی، اصول دولت محدود و بازارهای آزاد می‌سنجد.

ایران در میان ۱۸۶ کشور جهان از منظر شاخص آزادی اقتصادی، رتبه ۱۷۱ را به خود اختصاص داده است و همچنین در منطقه دارای رتبه ۱۴ می‌باشد. در طبقه بندی کشورها در موضوع آزادی اقتصادی با توجه به شاخص کسب شده کشورها به ۵ دسته تقسیم می‌شوند. در این طبقه بندی کشورهای با نمره زیر ۵۰ به‌عنوان کشورهای تحت فشار (سرکوب شده) لحاظ می‌شوند. این دسته بندی ۵ گانه و میزان این شاخص برای ایران در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ و همچنین میانگین جهانی و منطقه ای و متوسط کشورهای با اقتصاد آزاد را در شکل ۷ مشاهده می‌کنیم.

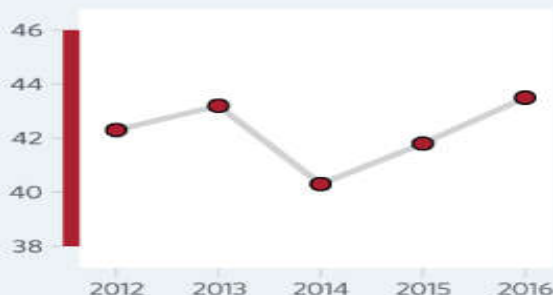
⁵ . Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)

2016 INDEX OF ECONOMIC FREEDOM

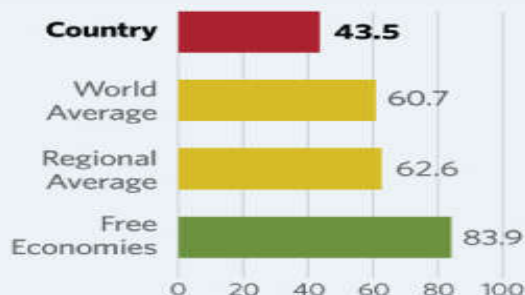
Iran



Country Score Over Time



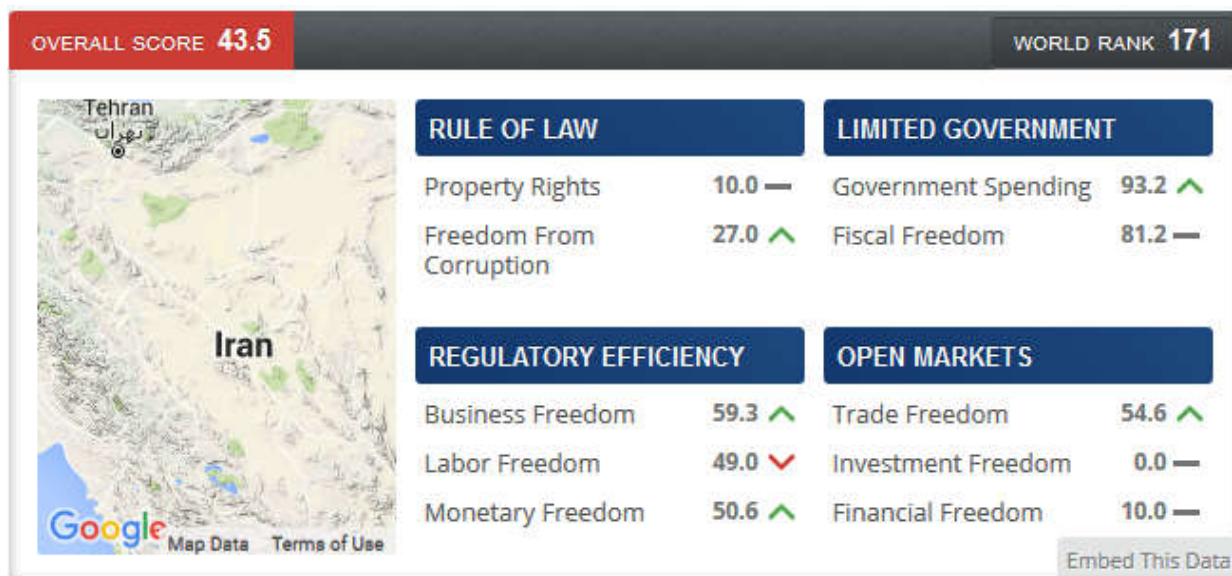
2016 Score Comparison



Sources: Terry Miller and Anthony B. Kim, *2016 Index of Economic Freedom* (Washington, DC: The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc., 2016), <http://www.heritage.org/index>.

شکل ۷ وضعیت ایران در شاخص آزادی اقتصادی

بر طبق این گزارش نرخ تعرفه ی ایران دارای میانگین 15.2 درصد است. سرمایه‌گذاری خارجی تحت نظارت دولت است و محدودیت هایی بر سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی از اقتصاد اعمال می‌گردد. تاخیرات گمرکی از تجارت جلوگیری می‌کند. تحریم‌های بین‌المللی تجارت و سرمایه‌گذاری را محدود کرده است. بانک های تجاری دولتی سهم عمده ی داراییهای بخش بانکداری را در اختیار دارند و تخصیص اعتبار از جانب دولت مدیریت می‌شود. در شکل ۸ وضعیت ایران را در زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی مشاهده می‌کنید.



شکل ۸ وضعیت ایران در زیر شاخص های آزادی اقتصادی

درسهایی که میتوان از شاخص آزادی اقتصادی گرفت:

- آزادی اقتصادی با رفاه اقتصادی بلندمدت ارتباط دارد.
- آزادی اقتصادی با سرانه ی تولید ناخالص داخلی ارتباط دارد.
- آزادی اقتصادی با رشد اقتصادی ارتباط دارد.
- آزادی اقتصادی با دموکراسی یا آزادی سیاسی ارتباط دارد.
- تجارت بین المللی با رشد اقتصادی ارتباط دارد.

۸-۲ شاخص توانمندی تجارت The Enabling Trade Index

شاخص توانمندی تجارت، اغلب اقدامات سیاستی را که منجر به کاهش هزینه های تجاری می شود، در بر می گیرد. این شاخص، شاخص ترکیبی واحدی است که مجموعه ای از شاخص های مختلف را دربر می گیرد. بر اساس این شاخص، مجموعه عوامل مربوط به تسهیل تجارت در ۴ گروه اصلی طبقه بندی شده اند. این زیر شاخص ها عبارتند از: دسترسی به بازار، مدیریت مرزی، زیر ساخت، محیط عملیاتی. که در شکل ۱۰ رتبه و امتیاز ایران را در هر شاخص و معیارهای شاخص مربوطه مشاهده می شود.

■ ایران در میان ۱۳۸ کشور جهان از منظر شاخص توانمندی تجارت، رتبه ۱۳۱ را به خود اختصاص داده است.

رتبه	امتیاز	
۱۳۱	۳	شاخص توانمندی تجارت
۱۳۸	۱.۹	زیر شاخص A: دسترسی بازار (۲۵٪)
۱۳۸	۲.۴	معیار ۱: دسترسی به بازار داخلی
۱۳۳	۱.۴	معیار ۲: دسترسی به بازار خارجی
۱۱۹	۳.۳	زیر شاخص B: مدیریت مرزی (۲۵٪)
۱۱۹	۳.۳	معیار ۳: بهره وری و شفافیت مدیریت مرزی
۹۲	۳.۴	زیر شاخص C: زیرساخت (۲۵٪)
۶۵	۳.۵	معیار ۴: قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت های حمل و نقل
۹۰	۳.۷	معیار ۵: قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل نقل
۱۰۳	۲.۹	معیار ۶: قابلیت دسترسی و استفاده از ICT
۱۲۵	۳.۴	زیر شاخص D: محیط عملیاتی (۲۵٪)
۱۲۵	۳.۴	معیار ۷: محیط عملیاتی

شکل ۹ رتبه و امتیاز ایران در زیرشاخص های توانمندی تجارت

- ایران از نظر سه شاخص تعرفه های خاص، کیفیت زیرساخت های حمل و نقل جاده ای و جاده های آسفالت شده دارای مزیت رقابتی است و رتبه های پایین تر از ۵۰ را در هر یک از آن ها به خود اختصاص داده است.
- نقاط ضعف تجاری ایران تقریباً در تمامی معیارهای مربوط به شاخص بهره وری و شفافیت مدیریت مرزی به چشم می خورد. تعداد روزهای مورد نیاز برای انجام کامل فرایند واردات در ایران، ۳۷ روز ارزیابی شده است، در حالی که این مدت برای واردات در سنگاپور ۴ روز برآورد شده است. علاوه بر این، بالا بودن تعداد روزهای لازم برای صادرات در ایران (۲۵ روز) موجب شده است که ایران رتبه ۱۰۵ را در میان ۱۳۸ کشور به خود اختصاص دهد.
- بر اساس معیارهای مربوط به شاخص قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت های حمل و نقل، ضعف موجود در زیرساخت های حمل و نقل هوایی ایران نسبت به سایر اشکال حمل و نقل (دریایی و جاده ای) در این کشور بیشتر به چشم می خورد.
- ایران در این زمینه استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای معاملات میان بنگاه های تجاری، رتبه ۱۳۰ را به خود اختصاص داده است. از نظر استفاده از اینترنت برای معاملات بین بنگاه و مصرف کننده نهایی نیز ایران در رتبه ۱۱۴ قرار دارد.
- در شکل ۱۱ وضعیت و رتبه ایران را در هر کدام از معیارهای این شاخص مشاهده می کنید.

ردیف	شاخص ها	رتبه (از 178)	نقطه قوت یا نقطه ضعف	ارزش	بهترین کشور	ارزش
	دسترسی به بازار داخلی (1-7)	178		1.2	آ کشور	7.0
1.01	مزج بهره (5)	178	=	17.1	آ کشور	9.0
1.02	سپیدگی شاخص بهره ای (1-7)	85	=	5.3	آ کشور	7.0
	برآورد کلی بهره استراحت از مسافران	178	=	28.9	آ کشور	9.0
	سهم بیگانه های بهره (2) از خطوط بهره	78	=	5	آ کشور	9.0
	سهم بهره های خاص (2) از خطوط بهره	1	=	1	آ کشور	9.0
	تعداد بهره های مسافر	85	=	19	آ کشور	1.0
1.03	سهم واردات بدون بهره کشی (2)	179	=	1	آ کشور	100.0
	دسترسی به بازار خارجی (1-7)	177		1.9	کویت	5.7
2.01	بازگشت موزون بهره های کشورهای مقصد (5)	171	=	5.3	قطر	2.5
2.01	شاخص حاکمیت ترجیح در بازارهای مقصد (1-10)	172	=	1.8	عمان	27.1
	بهره ویدی و شفافیت مدیریت مرزی (1-7)	119		2.7	سنگاپور	2.7
	شاخص خدمات کشوری (1-1)	-		-	سنگاپور	1.0
2.02	بهره ویدی فرایندهای ترجیحی (5) از شرکت (5-6)	119	=	1.2	برون	2.7
2.03	تعداد پروانه های واردات	111	=	27	سنگاپور	2.0
2.04	تعداد اسناد واردات	112	=	11	آ کشور	1.0
2.05	مزجه واردات (2) از به ازای هر کانتینر	109	=	1100	سنگاپور	200.0
2.06	تعداد پروانه های صادرات	112	=	15	آ کشور	2.0
2.07	تعداد اسناد صادرات	85	=	7	آ کشور	1.0
2.08	مزجه صادرات (2) از به ازای هر کانتینر	85	=	1770	مالتی	250.0
2.09	پرداخت های نامنظم صادرات و واردات	87	=	2.7	نیوزیلند	2.0
2.10	پیش بینی زمان ترخیص واردات	117	=	2	قطر	2.0
2.11	شاخص شفافیت کشوری (1-1)	-		-	آ کشور	1.0
	قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت های حمل و نقل (1-7)	85		2.5	امارات متحده عربی	2.5
2.01	تاریخ حمل مسافر خطوط هوایی بین المللی در هفته (بلیتور ها)	97	=	112.1	اسپان	110.0
2.02	کیفیت زیرساخت های حمل و نقل هوایی	119	=	2.7	سنگاپور	2.8
2.03	کیفیت زیرساخت های حمل و نقل جاده ای	97	=	2.5	ژاپن	2.7
2.04	شاخص اتصال خطوط حمل و نقل (1-10) (1-10)	28	=	11.2	چین	127.5
2.05	کیفیت زیرساخت های کشوری ریلی و بندر	97	=	2.1	قطر	2.8
2.06	جاده های آسفالت شده (X) از کل جاده ها	21	=	80.9	آ کشور	100.0
2.07	کیفیت جاده ها	21	=	2.1	امارات متحده عربی	2.7
	قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل و نقل (1-7)	91		2.7	سنگاپور	5.7
3.01	سپوریت و قابلیت پرداخت مزجه حمل و نقل (5-6)	119	=	1.2	لوئیزیان	2.8
3.02	سپوریت های حمل و نقل (5-6)	88	=	1.2	برون	2.7
3.03	قابلیت ردیابی و پیگیری (1-2)	111	=	1.5	امان	2.7
3.04	به هنگام پرواز حمل برای رسیدن به مقصد (5-6)	119	=	1.2	لوئیزیان	2.7
3.05	بهره ویدی خدمات پس	97	=	2.7	ژاپن	2.8
3.06	بهره ویدی در زمانه میان انتقال چهار تابه حمل و نقل	28	=	2.7	متحد کنگد	2.7
	قابلیت دسترسی و استفاده از ICT: (1-7)	103		1.8	برون	2.5
4.01	کشور آنگ های تلفن همراه (100) نفر	110	=	27.1	متحد کنگد	110.1
4.02	تسریت و کارایی شخصی (2)	91	=	1.8	اسپان	27.1
4.03	کشور آنگ های اینترنتی جهانی بانک (100) نفر	91	=	2	قطر	27.1
4.04	کشور آنگ های اینترنتی جهانی بانک تلفن همراه (100) نفر	119	=	1.2	سنگاپور	112.5
4.05	استفاده از ICT برای معاملات میان شبکه های تجاری (B2B)	110	=	2.7	قطر	2.7
4.06	استفاده از اینترنت برای معاملات بین شبکه و معمران گفته بهایی (B2C)	119	=	2.5	انگلین	2.7
4.07	شاخص خدمات آنلاین دولت (1-1)	91	=	2.9	آ کشور	1.0
	محیط عملیاتی (1-7)	112		2.9	متحد کنگد	5.8
5.01	شاخص خدمات از مالکیت (1-7)	89	=	2.5	قطر	2.7
	مقرن مالکیت	21	=	2.7	قطر	2.7
	خدمات از مالکیت مرزی	112	=	2.8	قطر	2.7
5.02	شاخص بهره وری و تسریت سازمان های مرزی (1-7)	119	=	1.2	سنگاپور	2.0
	بهره ویدی و تسریت در دستگاه های قضایی در مالکیت تجاری (1-7)	111	=	1.2	آ کشور	2.7
	تسریت از ترخیص مرزی	88	=	2.3	نیوزیلند	2.5
	سپوریت اتحای و مقررات مرزی	119	=	1.8	سنگاپور	5.7
5.03	دسترسی به تمام مانی (1-7)	111	=	1.2	متحد کنگد	2.7
	قیمت خدمات مانی	119	=	2.5	متحد کنگد	2.7
	در دسترسی بودن خدمات مانی	118	=	2.1	سویس	2.7
	سپوریت گرفتن وام	118	=	1.5	قطر	2.8
	دسترسی به تمام مانی تجاری	119	=	1.2	متحد کنگد	2.8
5.04	شاخص آزادسازی برای شرکت های خارجی (1-7)	170	=	2	ایرلند	5.5
	سپوریت به کارگیری نیروی کار خارجی	177	=	2.8	امارات متحده عربی	5.7
	آزادسازی قوانین بر روی سرمایه گذاری مستقیم خارجی	119	=	2.3	ایرلند	2.7
	آزادسازی قوانین تجاری جداگانه (1-10)	119	=	27.1	اسرائیل	27.1
5.05	شاخص امنیت فیزیکی (1-7)	89	=	2	قطر	2.8
	قابلیت اعتماد به خدمات پس	21	=	2.7	قطر	2.7
	مزجه های تجاری مهم و تسریت	88	=	2.7	قطر	2.8
	مزجه های تجاری تروریسم	119	=	2.3	اسرائیل	2.7
	مزجه نقل کشوری (100) هزار نفر	97	=	2	متحد کنگد	2.7
	شاخص بروز تروریسم (1-7)	118	=	2.1	آ کشور	7.0

شکل 10 اجزایات زیر شاخص های توانمندی های تجارت برای ایران

- کشور ایران از نظر شاخص آزادسازی فعالیت برای شرکت‌های خارجی که ترکیبی از سهولت استخدام نیروی کار خارجی، اثر تجاری قوانین روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی قوانین تجاری چندجانبه می‌باشد، در جایگاه ۱۳۰ قرار دارد. کشور ایرلند از این جهت بهترین عملکرد را داشته است. در نهایت، شاخص امنیت فیزیکی آخرین معیاری است که وضعیت محیط عملیاتی را در یک کشور تعیین می‌کند. از منظر این شاخص، ایران رتبه ۸۷ را به خود اختصاص داده است و قطر در جایگاه اول قرار دارد.
- شاخص بهره‌وری و مسئولیت سازمان‌های دولتی، از طریق بررسی میزان بهره‌وری و بی طرفی دستگاه‌های قضایی در مناقشات تجاری، میزان انحراف از بودجه دولتی شرکت‌ها، اشخاص و گروه‌ها به دلیل فساد موجود در کشور، فشار مقررات دولتی که فعالان کسب کار باید خود را با آن تطبیق دهند، تعیین می‌شود. کشور ایران از نظر این شاخص در جایگاه ۱۲۴ قرار دارد. با توجه به جدول ریز شاخص‌ها، به نظر می‌رسد بالا بودن رتبه ایران از نظر معیار بهره‌وری و بی طرفی دستگاه‌های قضایی در مناقشات تجاری (رتبه ۱۲۰)، بیشترین تاثیر را در جایگاه پایین کشور از نظر شاخص مذکور داشته است. بهترین عملکرد از نظر این شاخص به کشور سنگاپور تعلق دارد.
- محیط کسب و کار برای فعالان تجاری در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. ایران از لحاظ این شاخص رتبه ۱۲۵ را به خود اختصاص داده است. این شاخص بر اساس معیارهای حمایت از مالکیت، بهره‌وری و مسئولیت سازمان‌های دولتی، دسترسی به منابع مالی، آزادسازی فعالیت برای شرکت‌های خارجی و امنیت فیزیکی تعیین می‌شود.
- معیار حمایت از مالکیت شامل میزان حمایت از حقوق مالکیت مانند دارایی‌های مالی و حمایت از مالکیت فکری مانند جلوگیری از جعل و تقلب می‌شود. ایران از نظر این معیار، رتبه ۸۶ را کسب کرده است و کشور فنلاند نیز در جایگاه اول قرار دارد.
- مانع دیگر در جذب سرمایه خارجی در کشور ما، مشکلاتی است که برخی از اصول قانون اساسی و سایر قوانین و آیین‌نامه‌ها کشور در مسیر جذب سرمایه خارجی ایجاد می‌کنند. به‌عنوان نمونه اصل ۸۱ قانون اساسی که ناظر بر ممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجی‌ان است یا اصل ۱۳۹ قانون اساسی که دادگاه‌های ایران را به‌عنوان داور نهایی در حل و فصل اختلافات میان دولت ایران و سرمایه‌گذار خارجی تعیین کرده است، خود مانعی در جذب سرمایه‌های خارجی است.

دسترسی به بازار

- هفت معیار برای شاخص دسترسی به بازار داخلی در نظر گرفته شده است که ایران به استثنای سهم تعرفه‌های خاص در سایر موارد دارای ضعف رقابتی می‌باشد. در میان کشورهای مورد مطالعه، ایران دارای بالاترین میانگین موزون نرخ تعرفه است (۲۷.۱٪). بنابراین استفاده از ابزار تعرفه‌ای برای حمایت از تولید محصولات داخلی در ایران موجب شده، رتبه ۱۳۸ در میان سایر کشورها به ایران تعلق یابد.
- پراکندگی زیاد تعرفه‌ها در ایران (۲۸.۴٪) نیز یکی دیگر از نقاط ضعف تجاری کشور به شمار می‌رود. اعمال نظام تعرفه‌ای یکنواخت که در کشورهایمانندمانند هنگ کنگ و لیبی به کار گرفته می‌شود، موجب کاهش پراکندگی تعرفه‌ها و افزایش شفافیت سیستم تعرفه‌ای کشور را به دنبال خواهد داشت.

۹-۲ شاخص سهولت کسب و کار Ease of Doing Business Index

شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی، قوانین و مقرراتی را که مستقیماً بر انجام کسب و کار و رشد اقتصادی کشورها مؤثرند، معرفی و بررسی کرده و بر اساس آن ۱۸۹ کشور جهان را رتبه‌بندی می‌کند. این شاخص از ۱۰ زیرشاخص شروع کسب و کار، سهولت اخذ مجوز، دسترسی به برق، ثبت مالکیت، اخذ اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، تجارت فرامرزی، سهولت اجرای قراردادهای و ورشکستگی و پرداخت دیون تشکیل شده است.

گزارش بانک جهانی از وضعیت محیط کسب و کار ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی حاکی از صعود رتبه ایران در منطقه و جهان است، بطوریکه ایران با ۱ پله صعود رتبه در بین ۱۸۹ کشور مورد بررسی، به رتبه ۱۱۸ رسیده است. لازم به ذکر است، رتبه ایران در گزارش سهولت کسب و کار سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۳۰ عنوان شده بود که در بازبینی گزارش مذکور مطابق متدولوژی گزارش سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۱۹ تصحیح شده است. بهترین وضعیت زیرشاخص‌های ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی مربوط به اجرای قراردادهای گزارش شده که رتبه ۶۲ و امتیاز ۶۱/۸۵ را کسب نموده است. بدترین رتبه ایران نیز مربوط به زیرشاخص تجارت فرامرزی می‌باشد که رتبه ۱۶۷ و امتیاز ۳۹/۳۸ را به خود اختصاص داده است. جدول ۱۲ رتبه ایران را در هر کدام از معیارها به تفکیک ۲ سال گذشته در جهان و رتبه ایران در منطقه را در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد.

رتبه ایران در منطقه (خاورمیانه و شمال آفریقا)	رتبه در سال ۲۰۱۶	رتبه در سال ۲۰۱۵	شاخص
۴	۸۷	۸۲	شروع کسب و کار
۸	۶۹	۹۸	شرایط و مقررات اخذ مجوز ساخت
۱۰	۸۸	۹۴	دسترسی به برق
۱۰	۹۱	۸۹	ثبت مالکیت
۳	۹۷	۹۰	اخذ اعتبارات
۱۶	۱۵۰	۱۴۹	حمایت از سرمایه‌گذار خرد
۱۶	۱۲۳	۱۲۲	سهولت پرداخت مالیات
۱۶	۱۶۷	۱۶۶	تجارت فرامرزی
۵	۶۲	۶۲	اجرای قراردادهای
۱۳	۱۴۰	۱۳۷	ورشکستگی و پرداخت دیون
۱۱	۱۱۸	۱۱۹	شاخص کلی سهولت کسب و کار

شکل 11 رتبه ایران در شاخص‌های سهولت کسب و کار www.doingbusiness.org/data/exploreeconomies/iran source:

اجرای قراردادهای

- رتبه ایران در شاخص اجرای قراردادهای در سطح جهان بدون تغییر نسبت به سال ۲۰۱۵ در رتبه ۶۲ ثابت مانده است. و نسبت به میانگین منطقه MENA از وضعیت مطلوبی برخوردار شده است. به اعتقاد بانک جهانی دشواری حل اختلاف تجاری و وصول طلب با استفاده از دادگاه‌ها، هزینه و زمان زیاد، عدم صلاحیت و فساد عوامل دادگاه، تأخیر در فرآیند تجدید نظر، زمان طولانی اجرای حکم و...، بنگاه‌ها را مجبور می‌سازد به دنبال ابزارهای دیگری برای حل و فصل اختلافات خود باشند و به دلیل بی‌اعتمادی به سیستم قضایی، مطالبات خود را از مسیر قانونی دنبال نکنند. این در حالی است که عدم اجرای قراردادهای و دیر یا ناقص شدن آن‌ها علاوه بر بنگاه‌های متضرر، به زنجیره شرکا و طرف‌های معامله آن‌ها و در نتیجه کل محیط کسب و کار ضربه می‌زند.
- برای صادرات کالا از طریق مرزها در ایران به ۷ مدرک معتبر نیاز است که نسبت به سال ۲۰۱۴ میلادی تغییری نداشته است. زمان صادرات در ایران نیز بدون تغییر مانده و ۲۵ روز برآورد شده است؛ اما هزینه صادرات در مرزهای ایران کاهش یافته و از ۱۴۷۰ دلار به ۱۳۵۰ دلار برای هر کانتینر رسیده است. در بخش واردات نیز، تعداد اسناد و زمان مورد نیاز برای واردات ثابت مانده و هزینه واردات از ۲۱۰۰ دلار به ۱۵۵۵ دلار برای هر کانتینر کاهش یافته است. بر این اساس، ایران در این زیرشاخص امتیاز ۵۶/۸۱ را کسب کرده است.

تجارت فرامرزی

- به اعتقاد بانک جهانی ایران با تعدد محدودیت‌های تجاری، فرآیند طولانی و پیچیده واردات و صادرات و بی‌ثباتی در قوانین و مقررات مواجه است. اختلاف بسیار زیادی در تعریف و اجرای تعرفه‌های گمرکی و مراحل اداری وجود دارد و زمان طولانی در گمرک، ضایعات کالا را

افزایش می‌دهد. همچنین هزینه بالای گمرک موجب افزایش فساد می‌گردد. از سوی دیگر تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه مالی و اقتصادی بین‌المللی در ایران به صورت مانعی در بخش تجارت خارجی ایفای نقش می‌کنند.

از دیدگاه بانک جهانی محدودیت‌های ایران برای ارتقاء رتبه در هر یک از زیرشاخص‌ها مشتمل بر موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- مراحل دشوار اخذ مجوز؛
- ۲- پراکندگی سازمان‌ها و مؤسسات تعیین شده برای صدور مجوزها؛
- ۳- زمان طولانی برای دریافت مجوزها؛
- ۴- بازارهای مالی توسعه نیافته؛
- ۵- دشواری تأمین مالی طرح‌ها؛
- ۶- فقدان سازوکار هدایت سرمایه‌های سرگردان و پس‌اندازها به سوی طرح‌های تولیدی؛
- ۷- حمایت ناکافی از سهام‌داران خرد؛
- ۸- اجرای قراردادهای دیر یا ناقص اجرا شدن آن؛
- ۹- بی‌ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و تجاری به‌ویژه
- ۱۰- دشواری شرایط طرح دعوی؛
- ۱۱- عدم ساماندهی نظام جامع اطلاعاتی؛
- ۱۲- تعدد محدودیت‌های تجاری؛
- ۱۳- فرآیند طولانی و پیچیده واردات و صادرات؛
- ۱۴- بی‌ثباتی در مقررات و قوانین تجاری؛
- ۱۵- نوسانات بسیار زیاد در تعریف و اجرای تعرفه‌های گمرکی؛
- ۱۶- مراحل اداری و زمان طولانی مورد نیاز برای انجام امور گمرکی؛
- ۱۷- دشواری حل اختلاف تجاری و وصول طلب از طریق دادگاه‌ها و زمان‌بری آن؛
- ۱۸- عدم صلاحیت و فساد عوامل دادگاه، تأخیر در فرآیند تجدیدنظر و زمان طولانی اجرای حکم.

۲-۱۰ جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در ایران

در انتها باید اشاره کرد که اگرچه در این گزارش بیشتر سعی شد تا به موانع و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران توجه شود تا بتوان در دل این موانع راهکارهایی را برای ارتقا جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران جست‌وجو کرد اما بار دیگر لازم است اشاره شود که ایران کشوری است که از نظر موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و از نظر اندازه بازار می‌تواند جذابیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاران داشته باشد از جمله :

- ایران پس از عربستان سعودی، دومین اقتصاد بزرگ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شود. به طوریکه دارای تولید ناخالص داخلی ۳۹۳.۷ میلیارد دلار ایالت متحده در سال ۲۰۱۵ می‌باشد.
- ایران پس از مصر دومین کشور پرجمعیت در منطقه با جمعیتی حدود ۷۸.۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ است و هجدهمین کشور دنیا از نظر جمعیت است.
- ایران دومین رتبه را در جهان از نظر ذخایر گاز طبیعی به خود اختصاص داده و همچنین از نظر ذخایر نفت خام رتبه چهارم در جهان را دارا می‌باشد.
- دسترسی ایران از شمال به دریای خزر و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان که اتصال مناسبی به اقیانوس هند است و مسیری است که می‌تواند کشورهای جنوب شرق آسیا را به آسیای میانه و شرق اروپا متصل کند.
- بیست و چهارمین تولیدکننده برق و هفتاد و پنجمین کشور دنیا به لحاظ شاخص توسعه انسانی است.
- و.....

۳ نتیجه گیری

با توجه به این که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در توسعه و رشد اقتصادی، رفع شکاف پس انداز-سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی، دانش فنی، و تکنیک‌های جدید مدیریتی ایفا می‌کند؛ بنابراین در میان کشورهای جهان رقابت شدیدی برای جذب آن وجود دارد و هر کشور با توجه به موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود تلاش می‌کند راه‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شناسایی و موانع و مشکلات آن را برطرف نماید. در این گزارش ابتدا به معرفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و انواع این نوع سرمایه‌گذاری و رویکردهای مختلف سرمایه‌گذاران به این نوع سرمایه‌گذاری بررسی شد. سپس عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی شناسایی و وضعیت برخی از مهم‌ترین این عوامل در وضعیت کنونی ایران بررسی شد چرا که یکی از راه‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن می‌باشد. عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متعدد هستند و می‌توان گفت جذب آن به کل عوامل اقتصادی و در مجموع کل سیستم و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وابسته می‌باشد. اما در هر کشور تعدادی از این عوامل نقش اصلی را در جذب آن بر عهده دارند و تعیین‌کننده اصلی تلقی می‌شوند. سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یا در جست‌وجوی حضور در یک بازار مناسب است که موقعیتش را تضمین کند یا این که می‌کوشد به مکانی برود که در آن هزینه‌های تولید به نحو قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یابد. در ادامه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مهم‌ترین راهکارها و پیشنهادهایی که از دل موارد مورد بررسی استخراج شده است مورد اشاره قرار می‌گیرد

زیرساخت‌های اقتصادی از عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. به عبارتی افزایش در سرمایه‌گذاری بخش دولتی در زمینه زیرساخت‌های اقتصادی موجب کاهش هزینه‌های تولید و انتقال می‌شود و در نتیجه منجر به افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد. یکی از راهکارهای مناسب جهت ارتقا زیرساخت‌ها در شرایطی که به علت کاهش قیمت نفت بودجه‌های عمرانی دولت با محدودیت روبروست استفاده از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حتی جذب سرمایه‌های خارجی است. که این امر می‌تواند از طریق ارائه مشوق‌های مناسب به اجرا درآید.

افزایش در بهره‌برداری از منابع طبیعی مانند نفت و گاز درآمد سرانه را افزایش می‌دهد و این امر سبب افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی می‌شود که این عامل نیز تمایل سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری در کشور افزایش می‌دهد. همچنین افزایش درآمد نفت و گاز موجب افزایش درآمدهای دولت و در نتیجه افزایش بودجه جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جامعه و در نتیجه کاهش هزینه‌های تولید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌شود. از این رو جذب سرمایه در بهره‌برداری از منابع طبیعی در صورتی که با رویکرد کمک و تسهیل جذب سرمایه برای سایر بخش‌ها باشد می‌تواند مفید باشد.

در حال حاضر که بحث خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های مهم اقتصادی نیز در کشور به شکل جدی مطرح شده است و همچنین برخی از صنایع با ظرفیت‌های کمتر از ظرفیت بالقوه تولید می‌کنند ضرورت ایجاد نهاد یا سازمانی که به معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور اقدام نماید، احساس می‌گردد.

افزایش میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی در فعالیت‌های تولیدی خود از بهترین نشانه‌های آمادگی یک اقتصاد برای سرمایه‌گذاران خارجی است لذا توصیه می‌شود که سیاست‌های توسعه بخش خصوصی در ایران به منظور توانمندسازی محیط فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رای شعارها و به‌طور قاطع و با جدیت دنبال شود.

کاهش بوروکراسی و شفافیت قوانین یکی از عوامل مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. به همین جهت تجمیع فعالیت‌های موردنیاز جهت جذب سرمایه می‌تواند به میزان زیادی عدم تمایل برخی از سرمایه‌گذاران که تنها به علت فرایند طولانی و غیر شفاف سرمایه‌گذاری از این عمل انصراف می‌دهند را کاهش می‌دهد. به عبارتی جایگاه واحدی در نظر گرفته شود که در آن همه امور موردنیاز برای جذب سرمایه‌گذاری اعم از مجوزها، بیمه‌ها و گمرک‌ها به‌صورت یکجا انجام دهد.

علاوه بر موارد پیش گفته لزوم بازمهندسی فرایندهای اخذ مجوز و سایر فرایندهای قانونی و اداری منجر به سرمایه‌گذاری خارجی نیز در کشور ایران احساس می‌شود. در این فرایند باز مهندسی علاوه بر تجمیع فعالیت‌ها در یک نهاد و سازمان می‌توان بسیاری از فعالیت‌ها را بدون خدشه وارد شدن به کلیت فرایند حذف کرد.

همچنین در همین راستا ایجاد یک پایگاه اینترنتی و اطلاعاتی جامع می‌تواند کمک شایانی برساند. پایگاهی که علاوه بر معرفی کامل فرصت‌های سرمایه‌گذاری متعدد در ایران، اطلاعاتی جامع از قوانین و شرایط سرمایه‌گذاری‌ها، معرفی نوع و شیوه کسب مشوق‌ها و سایر موارد ارائه دهد تا موجب شفافیت اطلاعاتی گردد.

در قانون سرمایه‌گذاری ایران سیاست‌های تشویقی مهمی پیش‌بینی نشده است. در نتیجه توصیه می‌شود که در تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی قانون، با الهام از قوانین سایر کشورها، مجموعه سیاست‌های تشویقی در رابطه با مالیات، حقوق گمرکی، استفاده از زیرساخت‌ها و منابع مالی داخلی در مورد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور عام و جهت‌گیری صادراتی، سرمایه‌گذاری در بخش‌ها یا رشته فعالیت‌های صنعتی خاص به‌طور روشن و ساده تعیین شود. این عوامل تشویقی می‌تواند شامل موارد زیر و سایر موارد باشد:

معافیت مالیاتی در مورد تولیدات شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی

اعطای پوشش‌های بیمه‌ای سرمایه‌گذاران

اعطای معافیت‌های گمرکی در مورد واردات نهاده‌های موردنیاز شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی

اعطای یارانه در امر آموزش نیروی کار محلی

ایجاد مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاری

اعطای تسهیلات زیر بنایی و خدمات عمومی ارزان‌تر نظیر آب و برق

تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آن‌ها.

یکی از مزایای عمده‌ای که برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برشمرده شد مبحث انتقال دانش و تکنولوژی از کشورهای صنعتی بود لذا یک پیش‌نیاز ضروری برای این امر وجود قابلیت‌های داخلی و ظرفیت جذب فن‌آوری در کشور است و در صورت غیاب مهارت‌های کافی در جذب فن‌آوری، این راهکار ارزش محدودی در پی خواهد داشت.

. تغییر پی‌درپی سیاست‌های دستوری مالی و پولی در کشور و در نتیجه رشد و سقوط یک‌باره شاخص‌های کلان اقتصادی موجب افزایش نامنی بازار ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی و بی‌اعتمادی آن‌ها شده است. به‌طور مثال همانطور که در گزارش اشاره شد تغییر در نرخ ارز دو اثر همزمان مثبت و منفی بر جذب سرمایه‌گذاری دارد. اما با این حال یک سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد که در یک محیط قابل پیش‌بینی به فعالیت بپردازد، لذا طرح تک‌نرخ کردن ارز که در دستور کار دولت قرار دارد در این زمینه می‌تواند احساس ثبات را در سرمایه‌گذار ایجاد کند.

از دیگر مواردی که می‌تواند در جذب FDI مهم باشد تغییر نگاه بسیاری از قانون‌گذاران و مجریان قانون به مقوله سرمایه‌گذاری خارجی است. چراکه در صورتی که قانون‌گذاران و مجریان کلیدی به‌ضرورت این امر واقف گردند به‌صورت مطلوب‌تری در زمینه‌های قانونی اقدام خواهند کرد. در این راستا باید نگاه سنتی و تاریخی به ورود سرمایه‌های خارجی به ایران تغییر یابد و این افراد از مزایای واقعی جذب سرمایه در صورتی که به‌صورت مناسب و برنامه‌ریزی‌شده جذب گردد، آگاه شوند. این مقوله نیز می‌تواند از طریق برگزاری کنفرانس‌های علمی و دانشگاهی معتبر و نشست‌های تخصصی با حضور تصمیم‌گیرندگان و مجریان کلیدی در این زمینه آغاز شود. و حتی باید در این زمینه تولید محتوا در صداوسیما و شبکه‌های مجازی جهت تغییر نگاه عامه به این موضوع صورت پذیرد.

و در صورتی که حتی با حس نیاز به تغییر برخی قوانین به دلایل و مصلحت‌های سیاسی نتوان این قوانین را اصلاح کرد، بایستی از طریق ایجاد مشوق‌هایی از جمله مشوق‌های مالیاتی این محدودیت‌های قانونی را به‌گونه‌ای جبران نمود.

منابع

- ۱ ابراهیمی، رضا، "رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۸۴"، هفته‌نامه برنامه، سال پنجم، شماره ۲۲۰، ۱۳۸۶
- ۲ آذربایجانی، کریم، "جهانی‌شدن، همگرایی اقتصادی-منطقه‌ای و تاثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز"، مجله تحقیقات اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۶۱، صفحات ۱۶۹-۱۴۹، ۱۳۸۱
- ۳ بهکیش، محمدمهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
- ۴ ترابی، تقی؛ محمد زاده اصل، نازی، "تحلیل نقش جهانی‌شدن در جذب سرمایه خارجی و رشد اقتصادی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۷، صفحات ۲۴۰-۲۱۷، ۱۳۸۹
- ۵ جلائی، سید عبدالمجید؛ صباغ پورفرید، مینا، "بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ایران از مسیر بازارهای مالی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۳، صفحات ۱۸۸-۱۷۱، ۱۳۸۸
- ۶ حیدری، پروین؛ افشاری، زهرا. "عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر شاخص‌های حکمرانی در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۷". پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، صفحات ۱۴۱-۱۷۰، ۱۳۹۱
- ۷ درگاهی، حسن، "عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درس‌هایی برای اقتصاد ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی شریف، شماره ۳۸، صفحات ۷۳-۵۷، ۱۳۸۵
- ۸ رضایی، مهدی، "عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران"، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸
- ۹ سحابی، بهرام؛ قنبری، علی؛ شفیعی، علی. "بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با تاکید بر نوسانات نرخ ارز" اقتصاد مقداری، شماره ۳۰، صفحات ۲۷-۵۲، ۱۳۹۰
- ۱۰ سعیدی، علی؛ میعاد، زهرا. "بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی". پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره دوم، صفحات ۲۰۰-۱۸۱، ۱۳۹۰
- ۱۱ طیبی، سید کمیل؛ رفعت، بتول؛ ناقلی، الهام؛ صادقی عمروآبادی، بهروز، "اثرات یکپارچگی منطقه‌ای و جهانی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس"، مدل‌سازی اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۹، صفحات ۱۲۳-۱۰۹، ۱۳۹۱
- ۱۲ غفاری، فرهاد؛ اکبری، جابر، "بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفت خیز خاورمیانه"، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال دوم، شماره هفتم، صفحات ۲۲-۱، ۱۳۹۰
- ۱۳ فرزین، محمدرضا؛ اشرفی، یکتا؛ فهیمی فر، فاطمه. "بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش‌های سیستم دینامیک و اقتصاد سنجی". پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۱، صفحات ۲۹-۶۲، ۱۳۹۱
- ۱۴ قادری، سمین؛ دهمرده، نظر. "تأثیر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب شرق و غرب آسیا". جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۸، صفحات ۴۱-۶۸، ۱۳۹۲
- ۱۵ محمدی حسین، نارویی محبوبه. "اثر گذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تعامل با توسعه مالی روی رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب اسلامی)". پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۶۱، صفحات ۱۴۹-۱۷۱، ۱۳۹۳
- ۱۶ مزینی، امیرحسین و مرادحاصل، نیلوفر "بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی". پژوهشنامه اقتصادی، ویژه نامه بازار سرمایه، شماره ۷، صفحات ۱۵-۳۵، ۱۳۸۹
- ۱۷ ملکی، مهران؛ نجارزاده، رضا، "بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تاکید بر کشورهای صادرکننده نفت"، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۳، صفحات ۱۶۴-۱۴۷، ۱۳۸۴

- ۱۸ مهدوی، ابوالقاسم، برخورداری، سجاد، " حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مورد ایران) "، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، صفحات ۱۱-۳۶، ۱۳۸۷
- ۱۹ نجارزاده، رضا؛ ملکی، مهرا. " بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تاکید بر کشورهای صادرکننده نفت " . پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۳، صفحات ۱۴۷-۱۶۴، ۱۳۸۴
- ۲۰ نصابیان، شهریار، " نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال ایران "، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۲، صفحات ۹۷-۱۲۲، ۱۳۸۵
- ۲۱ نگهداری، ابراهیم، " نقش سرمایه انسانی در اثر بخشی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد کشورهای حوضه خلیج فارس "، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، صفحات ۷۵-۶۷، ۱۳۹۳
- ۲۲ هادی زنوز، بهروز، " سرمایه‌گذاری خارجی در ایران "، مجموعه مطالعات اجتماعی، نشر و پژوهش فرزنان روز، شماره ۱۵، ۱۳۷۹
- ۲۳ هژبرکیانی، کامبیز؛ ناهیدی، محمدرضا؛ " تاثیر بهره وری نیروی کار، امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و شرایط تجاری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در شرایط ثبات و بی ثباتی "، مدیریت بهره وری، ۱۶، صفحات ۱۷۳-۲۳۰، ۱۳۹۰
- ۲۴ Agrawal, J.P. (1980) " *Determinants of FDI: a survey* "; Weltwirtschaftliches Archive, vol.116, pp739-773
- ۲۵ Findlay, R. (1978). " *Relative Backwardness. Foreign Direct Investment, and transfer of technology: A simple Dynamic model* " The quarterly journal of Economics, vol.92, No.1, pp. 1-16.
- ۲۶ Goodspeed, T. & Vazquez, J. & Zhang, L., (2006), " *Are other Government Policies more Important than Taxation in Attracting FDI?* " Georgia State University.
- ۲۷ J. June. 1989, " *Tax Policy and International Direct Investment* ", Working Paper No.3048, Cambridge: National Bureau of Economic Research.
- ۲۸ Kojima, k, (1973), " *A Macroeconomic Approach to FDI* ", Hitotsubashi Journal of Economics, vol.14.
- ۲۹ Lucas, R.E.B (1993) " *On the determinants of foreign Direct Investment: Evidence from East and South east Asia* " *World Development* ". Vol.21, PP. 391-406
- ۳۰ , Journal " *An Analysis of Foreign Capital Effects on Economic Growth* " Mahdavi, Abolghasem (2004), of Economic Research, Economic Faculty, University of Tehran, Fall, No. 66, pp.181-208.
- ۳۱ O.I. Williamson, (1975) " *Analysis and Antitrust Implications: A study in the Economics of Internet Organization* ", Markets and Hierarchies, New York: Free press.
- ۳۲ Sawada, N. (2004). " *Technology Transfer, spillover and Growth through FDI in Developing countries: An Endogenous Growth Approach* ". Discussion paper, the university of Hawaii-Manoa, USA.